

بازنویسی منتهی الآمال - باب چهاردهم

دفتر دوم

ویژگی‌های امام موعود علیه السلام

بازنویسی : عبدالمسین طالعی



انتشارات نبأ

طالعی ، عبدالحسین ، ۱۳۳۰ -

ویژگی‌های امام موعود علیه اسلام / بازنویسی عبدالحسین طالعی . - تهران : موسسه نبأ ، ۱۳۸۲ .
۷۲ ص .
ISBN : 964 - 6643 - 98 - 1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

کتاب حاضر بازنویسی منتهی الآمال نوشته عباس قمی ، باب چهاردهم ، دفتر دوم است .

کتابنامه : ص . ۵۸ - ۷۲ ؛ همچنین به صورت زیر نویس -

۱ . محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ ق . - فضائل . ۲ . قمی ، عباس ، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹ .

منتهی الآمال - اقتباسها . الف . قمی ، عباس ، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹ . منتهی الآمال برگزیده . ب . عنوان -

ج . عنوان : منتهی الآمال برگزیده .

۲۹۷ / ۹۵۹

BP ۵۱ / ۳۵ / ۱۵ و ۹

۸۲ - ۱۳۶۳۵

کتابخانه ملی ایران

ویژگی‌های امام موعود ﷺ

بازنویسی : عبدالحسین طالعی

حر و فچینی : انتشارات نبأ / لیتوگرافی : نبأ اسکرین / چاپ : الوان

صحافی : ذوالفقار / چاپ اول : ۱۳۸۲ / کد کتاب : ۱۵۸ / ۸۴

شمارگان : ۵۰۰۰ نسخه / قیمت : ۴۰۰۰ ریال

ناشر : انتشارات نبأ / تهران ، فاطمی غربی ، سیندخت شمالی ، پلاک ۳۱

فاکس : ۶۹۴۴۰۰۲

تلفن : ۶۴۳۱۱۰۷ - ۸

ISBN : 964 - 6643 - 98 - 1

شابک : ۹۶۴ - ۶۶۴۳ - ۹۸ - ۱

سخن ناشر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

انسان در دنیا همچون مسافری است که دقایقی در این مسیر طولانی ، به استراحت می پردازد. این مسافر ، راه درازی پیموده تا به اینجا آمده، و هنوز مسافت درازی در پیش دارد. مسافر عاقل ، در این سفر طولانی نیاز به راهنما را ، بیش از نیاز به آب و غذا و هوا احساس می کند . دریغ! که گاه برخی از مسافران ، آن چنان به جاذبه های این محل موقت استراحت دل می بندند که اصل سفر و نیازهای آن را فراموش می کنند. اما مسافران خردورز و اندیشمند ، نه به این لحظات کوتاه ، بل به اصل سفر و زاد و توشه راه و رهنمودهای راهنمایان می اندیشند .



خدای حکیم توانا ، پیش از آنکه اصل سفر را به عنوان برنامه به انسان بدهد ، به تأمین نیازهای او در سفر اقدام کرده و مهمترین نیاز او یعنی راهنمای آگاه دلسوز امین را برای او برآورده است. این راهنمایان ، پیامبران و امامان علیهم السلام هستند ، که انسان را در

کوره راه‌ها و گردنه‌های سخت ، در مقابله با انواع مشکلات احتمالی که پیش رو دارد ، هدایت می‌کنند . شناخت این راهنمایان و ویژگیهای آنها ، وظیفه‌ای است که انسان به حکم عقل ، بر عهده دارد .

* * *

برخی از عالمان دین ، برای رفع این نیاز ، کتابهایی در این زمینه نگاشته‌اند . محدث بزرگوار شیعی ، مرحوم شیخ عباس قمی ، در زمره این عالمان دین است . آن دانشور بزرگ - به برکت اخلاص خود در عمل - با کتاب جاودانه « مفاتیح الجنان » در میان خاص و عام شهرت یافته است . اما همین شهرت بحق ، دیگر جنبه‌های علمی و تحقیقی او را از یاد برخی افراد متوسط برده است . وی ، سالهای فراوان ، همراه با بزرگانی دیگر مانند شیخ آقا بزرگ تهرانی و میرزا محمد قمی و شیخ علی اکبر نهاوندی ، در محضر استاد بی مانند علم الحدیث در قرون اخیر ، یعنی خاتم‌المحدثین میرزا محمد حسین نوری طبرسی علاوه بر درس ایمان و اخلاص ، علوم رجال و درایه و کتابشناسی و تاریخ آموخت . و آثاری گرانقدر در تمام این موضوع‌ها برای آیندگان باقی گذاشت .

* * *

کتاب « منتهی الآمال » ، از آثار محدث قمی در شناخت چهره نورانی چهارده معصوم علیهم السلام است ، که در طول بیش از هفتاد سال ، در شکل دادن اندیشه دینی دستداران معصومان پاک نهاد ، نقش ویژه‌ای داشته است .

در این یادگار ماندگار ، محدث قمی ، عناصری همچون : دقت ،

استناد ، بیطرفی ، ژرف‌نگری ، جامعیت ، اختصار ، ابتکار ، مخاطب‌شناسی و ... را به گونه‌ای زیبا و شگفت در فضای روح بخش ولایت و محبت‌خاندان نور درهم تنیده است.

این است که - با وجود دهها کتاب در زمینه شناخت معصومان - هنوز « منتهی‌الآمال » در جایگاهی رفیع نشسته است .

* * *

به دلیل این ارج ویژه ، بر آن شدیم تا دفاتری در معرفت‌خاندان نور ، بر اساس کتاب منتهی‌الآمال ، تهیه و تدوین کنیم و به پیشگاه اهل معرفت ، تحفه آوریم.

در این مجموعه علمی ، کارهای زیر انجام شده است :

- ۱ - منابع احادیث و مطالب کتاب ، استخراج شد ، و در آخر هر دفتر درج گردید (با اشاره به موارد آن به صورت [۱] و ...)
 - ۲ - شخصیت‌ها ، اعلام تاریخی و جغرافیایی ، کتابها و دیگر موارد یاد شده در متن که نیاز به توضیح داشت ، در حد مختصر و مفید ، شناسانده شد ، و در پاورقی صفحات درج گردید .
 - ۳ - متن بعضی از احادیث ، برای بهره‌وری بیشتر اهل تحقیق ، افزوده شد .
 - ۴ - نثر کتاب ، به زبان روز بازنویسی شد ، تا شعاع استفاده از آن ، گسترده‌تر شود .
 - ۵ - هر دفتر به یک - و گاه دو - عنوان اختصاص یافت .
- نکته آخر اینکه :

تحقیق و استوارسازیِ متنِ باب چهاردهم کتاب - که مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه است - همراه با استخراج منابع آن ، حدود بیست سال پیش به دست برخی از دانشوران پژوهشگر انجام شد .

در آن زمان ، هنوز چاپِ حروفی و تحقیق شده و قابل اعتماد از متن کتاب منتهی الآمال عرضه نشده بود .

در طول این سالها ، منتهی الآمال بارها به صورت چاپ حروفی منتشر شد ، که بهترین آنها ، چاپ تحقیقی انتشارات «دلیل ما» - به اهتمام آقای ناصر باقری بید هندی - در سه مجلد است (سال ۱۳۷۹). وقتی که کارِ سالیان پیش در اختیار این مؤسسه قرار گرفت ، از سویی با توجه به وجود چاپ تحقیقی یاد شده ، و از سویی دیگر برای بهره‌گیری از تلاش پیشین ، همچنین برای آشنا ساختن نسل‌های جدید با حقایق ارزشمند این کتاب ، تصمیم به بازنویسی کتاب و تقسیم آن به دفاتری کم‌برگ و پر بار گرفتیم .

اکنون ، شش دفتر در شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه تقدیم می‌شود. به امید آنکه در فرصت‌های آینده ، دفاتر دیگر از این سلسله نور عرضه گردد ، و این تلاش ناچیز در آستان مقدس اهل بیت عصمت صلوات الله علیهم اجمعین مقبول افتد .

سراغاز

پیشوایان معصوم ما ، همگی نور واحدند . و همه در برخی ویژگی ها اشتراک دارند : حجت خدا ، هادی و راهنما ، کشتی نجات امت در طوفان فتنه ها ، پناهگاه مردمان ، بیانگر قرآن ، وارث بحق پیامبران ، برگزیده خدای رحمان ، مشعلی در راه عبادت و تقرب انسان ، و دیگر ویژگی هایی که امام علی النقی علیه السلام به شیواترین بیان و ژرف ترین سخنان ، در زیارت جامعه کبیره شناسانده اند .



علاوه بر این ویژگیهای مشترک ، برخی از حجت های بحق الهی علیهم السلام ویژگی هایی اختصاصی دارند ، که در روایات معتبر بیان شده است . و هر کدام از آنها ، بابتی برای هدایت و عنوانی در معرفت است . بعضی از دانشوران بزرگ امامیه ، در آثار خود به این مهم پرداخته اند . کتاب مشهور «خصائص الحسین علیه السلام» - مشهورترین اثر عالم ربانی مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری - نمونه ای از این کتابها است .



درباره ویژگی های خاص امام عصر ارواحنا فداه نیز ، جمعی از بزرگان امامیه سخن گفته اند ؛ گاه در خلال آثار خود مانند مرحوم شیخ

علی یزدی حائری در جلد اول کتاب « الزام الناصب فی اثبات الحجّة الغائب » ، و گاه به عنوان رساله‌های مستقل ، مانند مرحوم شیخ محمد باقر فقیه ایمانی در کتاب « الخصائص المهدیة » . این دو کتاب ، به زبان عربی نگاشته شده است .

بخش اول این دفتر ، - بر مبنای بحث کتاب « الزام الناصب » و شرح و تبیین آن - توضیحات مختصر دربارهٔ چهل و شش مورد از خصائص امام عصر ارواحنا فداء در بر دارد ، که در کمتر کتاب فارسی مهدوی بدان اشاره شده است .

از این رو ، این بخش ، در میان آثار فارسی رایج پیرامون حضرتش ، امتیازی خاص دارد .



بخش دوم این دفتر ، در پی آن است که ثابت کند حضرت مهدی ارواحنا فداء ، امروز در روی زمین زندگی می‌کنند و در پس پردهٔ غیبت به شئون امامت می‌پردازند . و جمعی از نیکان و پاکان راست گفتار - چه در زمان حیات پدر بزرگوارش و چه در زمان غیبت صغری - حضرتش را دیده‌اند و گزارش کرده‌اند .

محدث قمی در این بخش ، به مهمترین منابع شیعه و سنی استناد کرده ، و با کمال دقت و امانت ، به شیوهٔ علمی ، بحث خود را پی گرفته است .



این بخش ، از سویی پاسخی است به آن گروه از گویندگان اهل

تسنن ، که می گویند : مهدی موعود هنوز به دنیا نیامده و در آخرالزمان متولد می شود. و از سوی دیگر، تذکری به شیعیانِ غافل و فراموشکار در بردارد که چرا از امام زمان خود غفلت می ورزند و حضرتش را به فراموشی سپرده اند ؟

برگ برگ - بلکه حرفِ حرفِ - این دفتر ، با مردمی که در زمان غیبت حضرتش زندگی می کنند و به این هجران خو گرفته اند ، سخن ها دارد ، اگر ژرف بخوانیم و بر جان بنشانیم . و توفیق از خداست .

بخش اول

ویژگی‌های امام عصر علیه السلام

بعضی از خصائص حضرت صاحب الزمان علیه السلام چنین است:

اول - نور ظلّ و شبح آن جناب، در عالم اظله^(۱) بین انوار ائمه علیهم السلام امتیاز داشت، چنانکه در اخبار معراجیه^(۲) و غیره است که: نور آن جناب در میان انوار ائمه علیهم السلام مانند ستاره تابانی در میان دیگر کواکب می درخشید. [۱]

دوم - شرافت نسب. آن جناب، شرافت نسب همه پدران بزرگوار خود علیهم السلام را دارا است، که شریف‌ترین نسب را دارند. نسبش از طرف مادر، از سویی، به قیصرهای روم، و از سوی دیگر به جناب "شمعون

۱ - عالم اظله و المباح. عالم مجردات است که قبل از آفرینش این جهان بوده است و خاصیت انوار همه مخلوقات، به ویژه انوار مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام را قبل از خلقت دیگر مراتب حقیقی، آفرید. و در میان آن انوار، نور مقدس حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله امام زمان علیه السلام از بقیه مشخص و ممتاز بود.

۲ - یعنی اخباری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مشاهدات سفر معراج و یا گفتگویی با ملائکه و انبیا الهی در آن سفر، نقل فرموده‌اند.

الصفا" وصی حضرت "عیسی" علیه السلام می‌رسد^(۱) که نسبتش به بسیاری از انبیاء و اوصیاء علیهم السلام منتهی می‌شود.

سوم - دو ملک، آن جناب را در روز ولادت به سراپرده عرش بردند. و حق تعالی به او خطاب فرمود:

مرحبا به تو ای بنده من، برای نصرت دین من و اظهار امر من و "مهدی" بندگان من. قسم خوردم که من، تنها به سبب تو بگیرم، و تنها به خاطر تو بدهم. و به جهت تو پیامرزم... [۲]

چهارم - بیت الحمد: روایت است: برای صاحب این امر علیه السلام خانه‌ای است که آن را "بیت الحمد" گویند. و در آن چراغی است که روشن است، از آن روز که متولد شده، تا آن روز که با شمشیر خروج کند، و خاموش نمی‌شود. [۳]

پنجم - جمع میان کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اسم مبارک آن حضرت^(۲)، در مناقب^(۳) مروی است که فرمود:

۱ - پدر حضرت نرجس مادر امام عصر علیه السلام یسوعا فرزند قیصر روم است. و مادر حضرت نرجس، از

نسل شمعون بن حمون الصفا می‌باشد که از اوصیای حضرت عیسی علیه السلام و از پیامبران الهی بوده است.

۲ - یعنی اگر نام فردی "محمد" است، نیابستی بر او کنیه "ابوالقاسم" نهاد، تا امتیازی بین رسول خدا و آن

شخص وجود داشته باشد. به این ترتیب، تنها کسی که با حضرت خاتم الانبیاء در نام و کنیه مشترک است،

حضرت خاتم الاوصیاء امام زمان علیه السلام می‌باشند.

۳ - تألیف "ابوعبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی"، متوفی ۵۸۸ از علماء و ادباء و محدثین

بزرگ شیعه، از متخصصین در علم رجال به‌شمار می‌آید. کتب "مناقب آل ابی طالب"، "الاسباب و النزول

علی مذهب آل الرسول"، "منهاج"، "مثالب النواصب" و "المخزون المکنون فی عیون القنون" از تألیفات

"اسم مرا بگذارید (ولی همراه با آن) کنیه مرا نگذارید." [۴]
ششم - نام بردن آن جناب حرام است، چنانکه (در دفتر اوّل)
گذشت.

هفتم - وصایت و حجّت در روی زمین به آن حضرت ختم
می شود.^(۱)

هشتم - از روز ولادت، غیبت او آغاز شد و حضرتش به
"روح القدس" سپرده شد. و در عالم نور و فضای قدس - که هیچ جزئی
از اجزاء آن حضرت، به پلیدی و آلودگی و معاصی بنی آدم و شیاطین
آلوده نشده - تربیت شد^(۲) و با عرش نشینان و ارواح قدسی مجالست
دارند. [۵]

نهم - معاشرت و مصاحبت با کفار و منافقین و فسّاق ندارند، به
جهت ناامنی از آنها و تقیّه نسبت به آنها.

از روز ولادت تا کنون، دست ظالمی به دامانش نرسیده است. با
کافر و منافقی مصاحبت ننموده اند، و از منازلشان کناره گرفته اند. [۶]
دهم - بیعت هیچ یک از جبّاران در گردن آن حضرت نیست.
طبرسی در "اعلام الوری"^(۳) از حضرت امام حسن علیّه روایت کرده

۱ - لقب "خانم الاوصیاء" ناظر به همین ویژگی است.

۲ - یعنی وجود مقدّس آن حضرت، از هرگونه کناه کبیره و صغیره و باطنی و ظاهری، معصیت فکری و
قلبی و خارجی، منزّه و پاک است و در سراپرده عصمت الهی به سر می‌برند.

۳ - "امین الدین ابوعلی فضل بن حسن طبرسی" از علماء و مفسّرین نامی شیعه، متوفی به سال ۵۴۸، و از

که فرمود:

"هیچ یک از ما (ائمه) نیست، مگر آنکه بیعتی برای طاغیة زمان او به گردنش می‌افتد، مگر قائمی که روح الله، عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد." [۷]

یازدهم - در پشت کتف، علامتی مانند علامت مبارک حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دارد، که آن را "ختم نبوت" گویند. و شاید در آن جناب، اشاره به ختم وصایت باشد.

دوازدهم - حق تعالی، آن جناب را در کتب آسمانی و اخبار معراجی، از سایر اوصیاء علیهم السلام اختصاص و امتیاز داده، به اینکه آن حضرت را، به لقب، بلکه به القاب متعدده نام برده است. [۸]

سیزدهم - آیات شگفت و علامات آسمانی و زمینی برای ظهور آن حضرت ظاهر می‌شود، که بر تولد و ظهور هیچ حجتی نشده است. در قرآن می‌فرماید:

"سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ." (۱)

یعنی، "به زودی، آیات خود را در آفاق و در وجودشان به آنها نشان دهیم تا برای ایشان روشن شود که آن حق است."

دانشمندان مشهور قرن ششم هجری است. وی تألیفات بسیاری دارد از جمله: **اعلام الوری**، تفسیر

"مجمع البیان" و تفسیر **"جوامع الجامع"**، تفسیر **مجمع البیان**، از بهترین تفسیر تاریخ اسلام محسوب شده و

مورد استناد فریقین است. این تفسیر، بی‌نکر مقدم شایع عمومی و تبحر و تعمق او در قرآن و روایات و ادبیات

عرب و علوم دیگر می‌باشد.

۱- قرآن کریم، سوره فصّلت، آیه ۵۳.

در کافی، روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «آیات»، در این آیه، به معنای آیات و علامات قبل از ظهور آن حضرت است. «حق» به معنای خروج قائم علیه السلام است. خروج حضرتش، حق است از سوی خداوند عز و جل، که مردم آن را می‌بینند و ناگزیر روی می‌دهد. [۹]

آیات و علامات، بسیار است که بعضی از دانشمندان، حدود چهارصد حدیث از احادیث علائم ظهور را گردآوری کرده‌اند. [۱۰]
چهاردهم - منادی آسمانی متارن ظهور به اسم آن جناب، ندا می‌کند، چنانچه در روایات بسیار وارد شده است. **علی بن ابراهیم**^(۱) در تفسیر آیه شریفه:

” وَ اسْتَمِعَ یَوْمَ یُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِیبٍ ”^(۲)

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «منادی به اسم قائم و پدرش علیه السلام ندا می‌کند.» [۱۱]

در «غیبت نعمانی» مروی است که امام باقر علیه السلام ضمن خبری

۱ - ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، از بزرگان علماء و محدثین شیعه است که علماء راجان، وی را در نفس حدیث، مؤلف و مورد اعتمادان به حساب می‌آورند. کتاب تفسیر او از قدیمی ترین و مستندترین تفسیر روایی شیعه است. وی از علماء و محدثین نامی چون پدرش ابراهیم بن هاشم و احمد بن محمد، یزعی اخذ حدیث نموده‌است. و جماعتی از دانشمندان بزرگ ما نیز، از جمله شاکرانی او هستند. **علی بن بابویه قمی، جعفر بن محمد قولویه، محمد بن حسن صفار، و محمد بن یعقوب کلینی.**

۲ - گوش فرا دار روزی را که شدی از مکانی نزدیک ندا دهد. (قرآن کریم، سوره ق، آیه ۴۱)

فرمود:

"منادی از آسمان به اسم قائم علیه السلام ندا می‌کند. کسی که در مشرق است و کسی که در مغرب است می‌شنود. هیچ خوابیده‌ای نیست مگر آنکه بیدار می‌شود. هیچ ایستاده‌ای نیست مگر آنکه می‌نشیند. هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند، مگر آنکه از آن صدا برمی‌خیزد." [۱۲] و فرمود که: "آن صدا از جبرئیل است، در ماه رمضان، در شب جمعه بیست و سوم."

و بر این مضمون، اخبار بسیار، بلکه متجاوز از حدّ تواتر^(۱) است. و در بعضی از این اخبار، آن را از محترّمات شمرده‌اند. [۱۳]

پانزدهم - افلاک از سرعت سیر می‌افتند، و به آرامی و آهستگی حرکت می‌کنند. "شیخ مفید"^(۲) از ابی بصیر روایت کرده که حضرت

۱ - تواتر، یعنی اینکه یک حدیث، از طریق روایان متعدّد در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، نقل شود. تا بدانجا که احتمال تبانی بر جعل و کذب در آن نرود.

۲ - **محمد بن محمد بن نعمان تلمکبری**، معروف به **"شیخ مفید"** پیشوای علماء و متکلمین و فخر جامعه شیعه در قرن چهارم است که در دولت **"آل بویه"** و دوره سلطنت عضدالدوله دینمی می‌زیست. وی در عصر خود دانشمندی بلند آوازه و فقیهی ماهر و متکلمی توانا، و مخصوصاً در علم مناظره سخنوری ورزیده بود. چنانکه مناظرات وی با متکلمان بزرگ غیر شیعی مانند **"قاضی ابوبکر باقلانی"** و **"قاضی عبدالجبار معتزلی"** و **"ابوحامد اسقرائنی"** و... در کتب مربوطه، مشهور و بیان عاقله، معروف است. **"مفید"**، قریب ۲۰۰ جلد کتاب در تمام علوم و فنون زمان خود نوشته است. **"امالی"**، **"ارشاد"**، **"الجمال"**، **"مفیده"**، **"اوائیل المقالات"**، **"الاختصاص"**، **"تصحیح الاعتقاد"**، **"النکت الاعتقادیه"** از جمله تألیفات اوست. در مقامات معنوی و مراتب معرفت از همین بس. که بنابر مشهور محدّثین شیعه. **امام زمان علیه السلام** دو توفیق، به افتخار او صادر

باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی در مورد سیر و سلوک "حضرت قائم" علیه السلام می فرماید:

"هفت سال بر این سلطنت می گذرد که هر سالی به مقدار ده سال از سالهای شما است. آنگاه خداوند آنچه را که می خواهد، احیا می کند."

گفتم: فدایت شوم، آن سالها چگونه طول می کشد؟ فرمود:
"خداوند به فلک، امر به درنگ کردن و حرکت اندک می کند. از این رو، روزها و سالها طول می کشد."

گفتم: ایشان (منجمین و حکماء) می گویند: اگر فلک تغییر پیدا کرد، (دنیا) تباه می گردد. فرمود:

"این، قول زنادقه است. اما مسلمانان، نباید به این سخن معتقد شوند، در حالی که (می دانند) خداوند، ماه را برای پیامبر خود صلی الله علیه و آله و سلم دو پاره کرد^(۱) و آفتاب را برای "یوشع بن نون" برگردانید. و از طول روز قیامت خبر داد^(۲) که مثل هزار سال است از آنچه شما می شمرید." [۱۴]

فرموده اند که حاوی مضامین عالی است، و تقرب جناب شیخ مفید در نزد آن حضرت را نشان می دهد.

۱ - اشاره است به واقعه شق القمر، به عنوان یکی از معجزات "رسول خدا" صلی الله علیه و آله و سلم. در مقابل کفاری که برای ایمان آوردن، دو نیم شدن ماه را به عنوان معجزه آن حضرت متقاضی بودند. آن حضرت با بهره گیری از قدرت موهوبی حق متعال، ماه را با اشاره ای، دو نیم فرمودند.

۲ - اشاره است به آیه "إِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ." (قرآن کریم، سوره حج، آیه ۴۷).

شانزدهم - ظهور "مصحف امیرالمؤمنین" علیه السلام که بعد از وفات "رسول خدا" صلی الله علیه و آله و سلم، به ترتیب نزول جمع نمود، بی تغییر و تبدیلی، و تمام آنچه را که به گونه اعجاز، بر آن حضرت نازل شده بود، دارا است. این همان مصحف است که حضرتش پس از جمع و تدوین به صحابه عرضه کرد، ولی آن را نپذیرفتند. لذا آن را مخفی نمود، و به حال خود باقی است تا آنکه بر دست آن جناب ظاهر شود. و خلق مأمور شوند که آن را بخوانند و حفظ کنند. و به جهت اختلاف ترتیب، که با این مصحف موجود دارد که به آن مأنوس شده‌اند، حفظ آن، از تکالیف مشکله مکلفین خواهد بود. [۱۵]

هفدهم - ابری سنید پیوسته بر سر آن حضرت سایه می اندازد. و منادی در آن ابر ندا می کند، به نحوی که جن و انس در شرق و غرب جهان می شنوند: "او است مهدی آل محمد. زمین را از عدل پر می کند، چنانکه از جور پرشده باشد". [۱۶] (این ندا غیر از آن ندا است که در عنوان چهاردهم گذشت).

هجدهم - ملائکه و جن، در لشکر آن حضرت هستند، به طوری که تمام یاران حضرتش، آنها را می بینند. [۱۷]

نوزدهم - طول روزگار، و گردش روز و شب و مرور زمان، در بنیه و مزاج و اعضاء و نیروها و صورت و هیئت آن حضرت تصرف نمی کند. از این رو، حضرتش به این طول عمر رسیده، که تا کنون بیش از هزار سال از عمر شریفش گذشته، و خدا می داند که تا روز ظهور و پس از آن، به چه سنی می رسد. با این همه، چون ظاهر شود، در صورت مرد

چهل ساله باشد، نه مانند دیگر افرادی که عمر طولانی داشتند، که یکی هدف تیر پیری "إِنَّ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا" باشد، و دیگری بانوای "إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا" از ضعف پیری خویش بنالد. (۱)
شیخ صدوق روایت کرده که ابوالصلت هروی (۲) گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم:

علامت قائم شما، در هنگام ظهور چیست؟ فرمود:
"علامتش آن است که در سنّ پیر باشد و به صورت جوان، تا آنجا که هر کس به آن حضرت بنگرد، گمان برد که در سنّ چهل سالگی یا کمتر از چهل سالگی است." [۱۸]

۱- یعنی امام زمان علیه السلام در عین داشتن عمری بسیار طولانی، از نظر شکل و قیافه و قدرت جسمی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام نیست، که همسرش ساره در باره او گفت: "این شوهرم پیرمرد است" (سوره هود، آیه ۷۴) و مانند حضرت زکریا نیست، که عرضه داشت: پروردگارا! منم از این استخوانهای من شست و ضعیف شده، و موههای سر من سفید گشته است. (سوره مریم، آیه ۴) بلکه از ظاهری جوان و قوی برخوردار است.

مرحوم آیه الله شیخ محمد باقر بیرجندی، از بزرگان محدثین و فقهایی قرن چهاردهم (متوفی ۱۳۵۲ قمری) در ضمن مثنوی خود پیرامون امام عصر ارواحنا فداه می فرماید:

یار من باشد جوان و دهن، پیر / چون که او بر دهن، می باشد امیر

(کتاب کبریت احمر، ص ۵۰۰ - ۵۰۲).

ایشان در این بیت، به لقب "صاحب الزمان" آن حضرت نظر دارند، که بر اهل دقت پوشیده نیست.

۲- اباعبدالله عبدالسلام بن صالح معروف به "ابوالصلت خراسانی هروی" از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام است.

بیستم - وحشت و نفرت از میان حیوانات می‌رود. آنها با انسان انس می‌گیرند. و دشمنی از میان همه آنها رخت برمی‌بندد، چنانکه (درابتدای آفرینش زمین) پیش از کشته شدن هابیل چنین بود. [۱۹]
از حضرت "امیرالمؤمنین" علیه السلام روایت شده که فرمود:

"اگر قائم ما خروج کند، میان درندگان و چهارپایان صلح شود، تا آنجا که زن میان عراق و شام راه می‌پیماید. ^(۱) پای خود را نمی‌گذارد مگر بر گیاه، درحالی که زینت‌های خود را بر سر دارد. هیچ درنده‌ای او را نمی‌ترساند، و به هیجان نمی‌آورد." [۲۰]

بیست و یکم - جمعی از مردگان در رکاب آن حضرت هستند. شیخ مفید نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

"بیست و هفت نفر از قوم موسی، هفت نفر اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابوذر، ابودجانة انصاری، مقداد و مالک اشتر از انصار آن جناب خواهند بود. ^(۲) و در شهرها، حاکم می‌شوند. [۲۱]

۱ - مسافت، میان این دو منطقه، راهی بسیار طولانی و مسیری خشک و سخت است.

۲ - برای آشنایی مختصر با این بزرگواران، اشاره‌ای گذرا به هر یک از آنان داریم:

الف - ابو عبدالله سلمان فارسی، از اصحاب و الامام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و از یاران باوفای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. وی از اوصیای حضرت عیسی علیه السلام بود. و در سراسر عمر شریفش، هیچگاه سر به سجده خورشید و بتها فرود نیاورد. پیامبر بارها درباره او فرمود: "سلمان منا أهل البيت". و از این رو به سلمان محمدی معروف گشت. چون با دارفانی وداع کرد، حضرت علی علیه السلام از "مدینه" به مدائن تشریف بردند و او را غسل دادند و در همان محل به خاک سپردند.

ب - "جندب بن جناده" معروف به "ابوذر عفراری"، از نیکان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و از اولیاء

روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود:
"هرکس، چهل صباح "دعای عهد" (اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...)^(۱)
را بخواند، از انصار آن حضرت باشد. و اگر پیش از آن حضرت

حضرت علی علیّه السلام محسوب می شود. در زمان جاهلیت، خداپرست بود و بت‌ها را نمی پرستید. چهارمین یا پنجمین کسی بود که اسلام آورد، و نخستین کسی بود که پیامبر را به رسم اسلام، سلام گفت. در پارسایی و زهد و بندگی خدای متعال، به مقامی رسیده بود که پیامبر اکرم او را شبیه‌ترین فرد به حضرت عیسی علیّه السلام معرفی نمودند. پیامبر اکرم بارها درباره‌اش فرمودند: "آسمان کبود سایه نیفتاننده و زمین پرغبار در برنگرفته است راستگوتر و باوفا تر از ابوذر را". ابوذر، در زمان عثمان، به دنبال اعتراضات پی در پی نسبت به مظالم او، به ریذه تبعید شد. و در همانجا، در غربت و بی کسی وفات نمود.

ج - "سماک بن خرشه" معروف به "ابودجانه" از بزرگان صحابه پیامبر و شجاعان نامی اسلام است. دلاوری او در جنگ "یمامه" زیانزد خاص و عام است، و در همان جنگ، به مقام رفیع شهادت نائل گشت.
د - "ابامعبد، مقداد ابن اسود الکندی" از اصحاب خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از بزرگان خواص "علی علیه السلام" می باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "او یکی از چهار نفری (عمار، سلمان، ابوذر و مقداد) است که خداوند آنها را بسیار دوست داشته، و امر به دوست داشتن آنها نموده است". به سال ۲۳ هجری، روحش به ملکوت اعلی شتافت. و در قبرستان "بقیع"، در مدینه، مدفون گشت.

ه - "مالک بن حارث اشتر نخعی" از بزرگان اصحاب علی علیّه السلام است. در مقام او هفتمین بس که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره او فرمود: "مالک برای من چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم". وی به دست کارگزاران معاویه ز به امر او، مسموم شد و به شهادت رسید. چون خیر شهادت مالک به معاویه رسید، آن چنان خورشحال شد که در پوست خود نمی گنجید. امام علی علیّه السلام با شنیدن آن خیر، به شدت اندوهناک و غمگین گشت. و مرگ مالک را از مصائب روزگار شمرد.

۱ - این دعا، در کتابهای ادعیه و تألیفات و محدثین متقدم ما آمده است، در "مفاتیح الجنان"، نیز نقل شده است، در قسمت ادعیه مربوط به امام عصر علیه السلام، تحت عنوان "دعای عهد".

بمیرد، خداوند، او را از قبرش بیرون آورد، که در خدمت آن حضرت باشد. [۲۲]

بیست و دوم - زمین، گنج‌ها و ذخیره‌هایی را که در آن پنهان و سپرده شده، بیرون می‌آورد. [۲۳]

بیست و سوم - باران و گیاه و درختان و میوه‌ها و سایر نعمت‌های زمینی زیاد می‌شود، [۲۴] به نحوی که حالت زمین در آن زمان، با حالات آن در اوقات دیگر تفاوت یابد. و قول خدای تعالی راست آید که فرمود:

”يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ“^(۱)

بیست و چهارم - عقول مردم به برکت وجود آن حضرت کامل شود. دست مبارک بر سر ایشان گذارد، [۲۵] و کینه و حسد که طبیعت ثانوی بنی آدم، از روز گذشته شدن ”هابیل“ تاکنون شده از دل‌هایشان رخت بندد. علوم و حکمت ایشان افزون گردد، و علم را در دل‌های مؤمنین جای دهد. پس مؤمن، به علمی که در نزد برادر اوست محتاج نمی‌شود. و در آن وقت، تأویل آیه شریفه: ”يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ“^(۲) ظاهر می‌شود.

بیست و پنجم - در چشم و گوش اصحاب آن حضرت، نیرویی فوق‌العاده پدید آید، تا آنجا که وقتی به اندازه چهار فرسخ از آن

۱ - روزی که زمین، به زمینی دیگر تبدیل شود. (سوره ابراهیم، آیه ۴۱)

۲ - خداوند، هر یک را از رحمت و سعته خود، بی‌نیاز خواهد ساخت. (سوره نساء، آیه ۱۳۰)

حضرت دور باشند، آن امام همام با ایشان تکلم می فرمایند، و ایشان می شنوند، در حالی که حضرتش را می بینند. [۲۶]

بیست و ششم - اصحاب و یاران آن حضرت، عمری دراز خواهند یافت. امام صادق علیه السلام فرمود:

مرد، در دوره حکومت آن جناب آن اندازه عمر کند، تا اینکه برای او هزار پسر متولد شود. [۲۷]

بیست و هفتم - بیماری، بلیه و ضعف، از بدنهای یاران آن حضرت بیرون می رود. [۲۸]

بیست و هشتم - به هریک از اعوان و انصار آن حضرت، قوت چهل مرد داده می شود. دلهای ایشان مانند پاره آهن می گردد. اگر خواستند، می توانند به آن قوت کوه را بکنند. [۲۹]

بیست و نهم - مردم، به نور آن جناب، از نور آفتاب و ماه بی نیاز می شوند، چنانکه در تفسیر آیه شریفه: "وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا"^(۱) روایت شده که رب (صاحب) زمین، امام زمان است. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلِيَّ وَ عَلِيَّ آبَائِهِ. [۳۰]

سی ام - پرچم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلِيَّ وَ عَلِيَّ آبَائِهِ در دست آن جناب است. [۳۱]
سی و یکم - زره حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلِيَّ وَ عَلِيَّ آبَائِهِ بر قد شریف آن حضرت راست می آید. و با بدن آن حضرت تناسب دارد، همچنانکه بر بدن مبارک حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلِيَّ وَ عَلِيَّ آبَائِهِ بوده است. [۳۲]

۱ - و زمین به نور خداوندگار خویش، درخشیدن گرفت. (قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۶۹)

سی و دوم - ابری مخصوص برای آن جناب است، که خدای تعالی آن را برای آن حضرت ذخیره کرده، و رعد و برق در آن است. حضرتش بر آن ابر سوار می‌شود و ابر، آن حضرت را در راههای هفت آسمان و هفت زمین می‌برد. [۳۳]

سی و سوم - تقیه و خوف از مؤمنان نسبت به کفار و مشرکین و منافقین برداشته می‌شود. راه بندگی کردن خدای تعالی، و سلوک در امور دنیا و دین براساس قوانین نظام آفرینش و فرمانهای آسمانی هموار می‌گردد، بدون اینکه نیاز باشد که از بیم مخالفان، برخی از آنها رها شود، یا مطابق با کارهای ستمگران، مرتکب اعمال زشت شویم، چنانکه خدای تعالی در کلام خود وعده داده است:

وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَّعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَّ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِيْ ارْتَضٰ لَهُمْ وَّ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَّعْبُدُوْنَ لِيْ لَا يَشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا. (۱)

خدای تعالی کسانی از شما را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، وعده داده که ایشان را در زمین جانشین گرداند، چنانکه آنان را که پیش از ایشان بودند، جانشین ساخت. و البته برای آنها دین ایشان را که برایشان پسندید متمکن سازد. و البته اینان را پس از ناامنی به ایمنی بدل سازد، که مرا بپرستند، و چیزی برای من شریک نگردانند.

سی و چهارم - سلطنت آن حضرت، تمام زمین را - از مشرق تا مغرب، خشکی و دریا، خراب و آباد و کوه و دشت - فرا می‌گیرد. جایی نمی‌ماند که حکمش جاری و امرش نافذ نشود، و اخبار، در این معنی متواتر است. و آیه شریفه "وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً"^(۱) به همین معنی تأویل شده است. [۳۴]

سی و پنجم - تمام روی زمین از عدل و داد پر می‌شود. در کمتر خبر الهی یا نبوی، از طریق شیعه یا سنی، ذکری از حضرت "مهدی" علیه السلام شده که این بشارت و این منقبت حضرتش در آن مذکور نباشد. [۳۵]

سی و ششم - آن حضرت در میان مردم به علم امامت حکم می‌فرماید (نه بر اساس ظاهر) . بینه و شاهد از احدی نمی‌خواهد، [۳۶] مثل حکم داود و سلیمان علیهما السلام.^(۲)

سی و هفتم - آن حضرت، احکام مخصوص می‌آورد، که تا عهد آن حضرت، اجرا نشده بود.^(۳) مثلاً آن حضرت، پیرزناکار و مانع الزکاة را

۱ - هر آنکه در آسمانها و زمین است، از سر میل یا اکراه اطاعت و اجبار، تسلیم فرمان او شده است. (سوره آل عمران آیه ۸۳).

۲ - در روایات آمده است که حضرت داود و حضرت سلیمان علیهما السلام در قضاوت خویش، بدون توجه به شواهد و قرائنی که مدعی و محکوم عنوان می‌کردند، به علم غیب خویش، حق را مشخص می‌فرمودند. حضرت مهدی علیه الصلوة و السلام نیز پس از ظهور، بدینگونه قضاوت خواهند فرمود.

۳ - برخی از احکام و حقوق اسلامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را از جانب خدای متعال، تشریع فرموده‌اند، مختص به ایام حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است، و در زمانهای قبل از آن،

می‌کشد و دو نفر که در عالم ذر میانشان عقدِ اخوت بسته شده، در اینجا از یکدیگر میراث می‌برند. [۳۷]

شیخ طبرسی رحمه الله علیه روایت کرده که:

“آن جناب، مرد بیست ساله‌ای را که علم دین نیاموخته باشد، می‌کشد.” [۳۸]

سی و هشتم - تمام مراتب علوم ظاهر می‌شود. “قطب راوندی”^(۱)

در خرائج، روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

“علم، بیست و هفت حرف است. تمام آنچه پیغمبران آورند، دو حرف بود. و مردم تا امروز، غیر از این دو حرف را نشناختند. هرگاه قائم ما علیه السلام خروج کند، بیست و پنج حرف را بیرون آورد. و آنها را در میان مردم پراکنده می‌کند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌دارد،^(۲) تا آنکه تمام بیست و هفت حرف را منتشر

اجراء نمی‌کند.

۱ - قطب‌الدین ابوالحسین سمید بن هبة الله بن حسن راوندی. متوفی به سال ۵۱۳ هجری. از متکلمین و

محدثین و فقهایی شیعه. و از بزرگان دانشمندان است. سید ابن طاووس رحمه الله علیه در کشف

المحجبه از وی تعریف و تسبیح بسیار کرده است. شیخ ابوعلی طبرسی. سید مرتضی. سید رضی از

استادان او به شمار می‌روند. او از نخستین شارحان نهج البلاغه است که ابن ابی الحدید در شرح نهج

البلاغه، از شرح او “منهاج البراعه” استفاده کرده است. المعنی فی شرح النهایه در ۱۰ جلد. خلاصه

التفاسیر در ۱۰ جلد. تفسیر قرآن. در ۲ جلد. شرح آیات احکام. قصص الانبیاء. و الخرائج و

الجرائح در معجزات. از کتب او محسوب می‌شوند.

۲. یعنی اگر کسی علوم دینی را که خداوند در اختیارش نهاده. به ۲۸ بخش تقسیم کنیم. تا زمان ظهور

می فرماید. [۳۹]

سی و نهم - شمشیرهای آسمانی برای انصار و اصحاب آن
حضرت فرود می آید. [۴۰]

چهلیم - حیوانات از یاران آن حضرت اطاعت می کنند. [۴۱]
چهل و یکم - دو نهر از آب و شیر، پیوسته در ناحیه ای از کوفه که
مقر سلطنت آن حضرت است، از سنگ جناب موسی علیه السلام که با آن
حضرت است بیرون می آید ^(۱) در "خرائج" مروی است که حضرت
باقر علیه السلام فرمود:

"چون قائم علیه السلام خروج کند و متوجه کوفه شود، منادی آن
حضرت ندا کند: "آگاه باشید که کسی طعامی و آبی با خود بر ندارد".
آن حضرت، سنگ حضرت موسی را که دوازده چشمه آب از آن
جاری شده بود، حمل می کند. در منزلی فرود نمی آیند مگر آنکه آن
را نصب می فرماید. از آن سنگ، چشمه ها جاری می شود. هر که
گرسنه باشد، سیر می شود و هر که تشنه باشد، سیراب می گردد. آن

حضرت ولی عصر علیه السلام فقط در بخش از آن ظاهر خواهند شد. و ۲۵ قسمت دیگر را آن حضرت، در ایام
حکومت جهانی خویش، ظاهر خواهند فرمود. بطوریکه در ایام ظهور، تمام ۲۷ بخش عهد، در نزد مردمان،
آن دوره، آشکار و هویدا خواهد بود.

۱- پس از نابودی فرعون، قوم بنی اسرائیل، در صحرا و بیابان، به مقصد فلسطین، حرکت کردند. آنگاه که
بر آنها نشنگی مستولی می شد، حضرت موسی علیه السلام به امر خدای متعال، با عصای خویش، بر سنگی
می زد، و از آن سنگ، دوازده چشمه می جوشید، تا اینکه دوازده قبیله بنی اسرائیل، از آن سیراب می شدند.
آن سنگ، نزد حضرت صاحب الزمان علیه السلام است. و پس از ظهور، از آن به همان ترتیب استفاده خواهد شد.

سنگ، توشه ایشان است تا وارد نجف شوند، پشت کوفه . چون فرود آمدند، پیوسته از آن آب و شیر جاری می‌شود. هر که گرسنه باشد، سیر می‌شود. و هر که تشنه باشد، سیراب می‌گردد." [۴۲]

چهل و دوم - حضرت روح الله، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان، برای یاری حضرت مهدی نازل می‌شود، و پشت سر آن جناب نماز می‌گزارد، چنانکه در روایات بسیار وارد شده [۴۳] بلکه خدای تعالی آن را از مدائح و مناقب آن جناب شمرده است.

در کتاب مختصر البصائر، حسن بن سلیمان حلی ^(۱) ضمن حدیث طولانی روایت کرده است:

"خداوند تبارک و تعالی به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در شب معراج فرمود: عطا فرمودم به تو، اینکه از صُلب او یعنی علی علیه السلام یازده مهدی (امام هدایت شده) بیرون آورم. که همه از ذریه تو باشند از بکر بتول (حضرت فاطمه علیها السلام) آخرین مرد ایشان، کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد. زمین را از عدل پر می‌کند، چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد، به او از مهلکه نجات

۱ - شیخ "حسن بن سلیمان بن خالد حلی" از فقهای بزرگ شیعه در قرن هشتم و از شاگردان "شهید اول" است. کتاب او "مختصر (منتخب) بصائر الدرجات" نام دارد. او "بصائر الدرجات" از کتب "سعد بن عبدالله اشعری" را تلخیص کرده، که اصل آن امروزه موجود نیست. البته کتاب بصائر الدرجات، از آثار جناب محمد بن حسن صفار (متوفی ۲۹۰) اکنون موجود است و از آثار معتبر به‌شمار می‌آید. که میان این دو کتاب، اشتراک در اسم است.

می‌دهم و از ضلالت هدایت می‌کنم، و از کوری عافیت می‌دهم و به او مریض را شفا می‌دهم." [۴۴]

چهل و سوم - "دَجَال" را که از عذاب‌های الهی برای اهل قبله است، می‌کشد. در قرآن می‌فرماید:

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ. (۱)

در تفسیر قمی روایت شده که امام باقر علیه السلام، "عذاب" را در این آیه، به دَجَال و صیحه تفسیر فرمود. [۴۵] و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

"هیچ پیغمبری نیامد، مگر آنکه مردم را از فتنه دَجَال برحذر داشت." [۴۶]

چهل و چهارم - هفت تکبیر، بر جنازه احدی بعد از حضرت "امیرالمؤمنین" علیه السلام جایز نیست، جز بر جنازه امام عصر علیه السلام، چنانکه در حدیث وفات و شهادت حضرت امیرالمؤمنین، و وصیت آن حضرت به امام حسن علیه السلام ذکر شده است. [۴۷]

چهل و پنجم - تسبیح آن حضرت از روز هجدهم تا روز آخر هر ماه است.

توضیح اینکه برای حجج طاهره علیهم السلام تسبیحی است در ایام ماه. تسبیح پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز اول ماه است. تسبیح امیرالمؤمنین علیه السلام در روز دوم ماه؛ تسبیح حضرت زهرا علیه السلام در سوم ماه. و به این

۱ - بگو، خداوند، قادر است که عذابی از بالای سرتان بر شما برانگیزاند (قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۶۵).

ترتیب ، تسبیح باقی ائمه علیهم السلام است ، تا حضرت امام رضا علیه السلام ، که تسبیح آن حضرت ، در دهم و یازدهم است ؛ و تسبیح حضرت جواد علیه السلام که در دوازدهم و سیزدهم است ؛ و تسبیح حضرت هادی علیه السلام در چهاردهم و پانزدهم است ؛ و تسبیح حضرت عسکری علیه السلام در شانزدهم و هفدهم است ؛ و تسبیح حضرت حجت علیه السلام در هجدهم ماه است تا آخر ماه . و اما تسبیح آن حضرت ، این است : [۴۸]

”سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ“^(۱)

چهل و ششم - سلطنت ستمگران و دولت ظالمان در دنیا به وجود آن جناب پایان می یابد ، که دیگر در روی زمین ، پادشاهی نخواهند کرد . و دولت آن حضرت به قیامت یا به رجعت سایر حضرات ائمه علیهم السلام یا به دولت فرزندان آن حضرت متصل می شود . و نقل شده که ”حضرت صادق علیه السلام مکرر این بیت را می خواندند [۴۹]

لِكُلِّ نَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ^(۲)

۱ - منزه است خداوند متعال به شمارش مخلوقاتش (تنزه او بی اندازه و بی حد است) ، منزه است خداوند تا آنجا که خشنود گردد ، منزه است خداوند به استمرار کلماتش (کلمات ، یعنی مخلوقات ، و جمله یعنی اینکه خداوند ، الی الابد منزه است) ، منزه است خداوند به وزن عرشش (به مقدار بی مقدار علمش) . و بدین گونه که بیان شد ، حمد و ستایش نیز از آن اوست .

۲ - هر گروه از مردم ، دولتی دارند که انتظار آن را می کشند . و دولت ما نیز در آخر الزمان ظاهر می گردد .

بخش دوم

اثبات وجود مبارک امام عصر علیه السلام

در اثبات وجود مبارک امام دوازدهم، حضرت "حجّت" علیه السلام، و غیبت آن حضرت، اکتفا می‌کنیم به آنچه علامه مجلسی رحمته الله علیه، در کتاب حَقُّ الْيَقِينِ ذکر کرده است. و هر که طالب تفصیل است به کتاب "نجم ثاقب" و غیر آن رجوع کند. علامه مجلسی می‌فرماید:

بدان که احادیث خروج مهدی علیه السلام را دانشمندان شیعه و سنی به طرق متواتر روایت کرده‌اند.

اول - در جامع الاصول^(۱) از "صحیح بخاری" و "مسلم" و "ابی داود" و "ترمذی" از "ابوهریره"^(۲) روایت کرده است، که رسول

۱ - تألیف مبارک بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری اربلی از دانشمندان اهل سنت در قرن ششم است. وی به "ابن اثیر" نیز معروف است. "الانصاف"، "نهایه" و "جامع الاصول فی احادیث الرسول" که اخبار صحاح ششگانه را در آن جمع نموده، از کتب معروف او محسوب می‌شوند.

۲ - اهل سنت دارای شش کتاب هستند، که این کتب، جوامع اولیه اهل سنت را تشکیل می‌دهند و مرجع و مورد اعتماد آنان در عقائد، و فروع و تفسیر، و تاریخ صدر اسلام می‌باشد. نویسندگان آنها، روایاتی را که

خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

"به حق آن خداوندی که جانم در دست قدرت او است، نزدیک است فرزند مریم نازل شود، که حاکم عادل باشد. او، چلیپای نصاری را بشکند و خوک‌ها را بکشد و جزیه را برطرف کند. (یعنی از ایشان به غیر اسلام، دینی قبول نکند). و چندان مال فراوان گردد که مال را دهند و کسی قبول نکند." [۱]

دوم - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

"چگونه خواهید بود، در وقتی که در میان شما فرزند مریم نازل

جمع نموده‌اند، صحیح دانسته و اظهار داشته‌اند که روایات ضعیف را نقل ننموده‌اند. از این جهت، شش کتاب یادشده به **'صحاح سنه'** معروف گردیده است. و آنها عبارتند است:

۱: صحیح **'محمد بن اسماعیل بخاری'**، درگذشته سال ۲۵۶.

۲: صحیح **'مسلم بن حجاج نیشابوری'**، درگذشته سال ۲۶۱.

۳: صحیح **'ترمذی'**، درگذشته سال ۲۷۹.

۴: صحیح **'ابی داود سیستانی'**، درگذشته سال ۲۷۵.

۵: صحیح **'ابن ماجه قزوینی'**، درگذشته سال ۲۷۳.

۶: صحیح **'نسائی'**، درگذشته سال ۳۰۳.

گاهی از صحیح **'بخاری'** و **'مسلم'** به **'صحیحین'**، و از چهار کتاب دیگر به **'سُنَن'** تعبیر می‌شود.

۲- از **'ابوهریره'** در کتاب‌های اهل تسنن نقل قول فراوان می‌شود. به همین دلیل، به بعضی از روایات او در مقام احتجاج، استناد می‌شود. البته **'ابوهریره'** نه تنها مورد اعتماد شیعه نیست، بلکه میان اهل تسنن نیز مخالفان بسیار دارد. **'ابوهریره'** در سال هفتم هجری، اسلام آورد. بنابراین فقط سه سال پیغمبر را درک کرده است. وی جاعل ۵۳۰۰ حدیث می‌باشد که غالب آنها را در دستگاه معاویه و به نقضای او جعل کرده است.

شود و امام شما از شما باشد (یعنی مهدی عجله الله فرجه)؟" [۲]
سوم - در صحیح مسلم از جابر روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

"پیوسته گروهی از امت من، بر حق می جنگند، و غالب
خواهند بود، تا روز قیامت. آنگاه عیسی پسر مریم (از آسمان)
فرود می آید. امیر ایشان می گوید: بیا با تو نماز کنیم، او می گوید:
"بدانید که شما بر یکدیگر امیرید، برای آنکه خدا این امت را گرامی
داشته است." [۳]

چهارم - در مسند ابوداود و ترمذی از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده
است که حضرت "رسول" صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

"اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، البته حق تعالی آن روز را
طولانی خواهد کرد، تا آنکه در آن روز مردی را از امت من (یا از
اهل بیت من) ۱ برانگیزاند، که نام او موافق نام من باشد. و زمین را از
عدالت پُر کند، چنانچه پر از ظلم و جور بوده باشد." [۴]
و به روایت دیگر:

"دنیا سپری نگردد، تا آنکه مردی از اهل بیت من، پادشاه عرب
شود، که نامش موافق نام من باشد." [۵]

۱ - 'عبدالله بن مسعود هذلی' از مساندان صدر اسلام است، که در بیان صحابه پیغمبر به عمه قرابت
شهرت دارد. علما اهل سنت از وی تجلیل بسیار نموده، دانندترین صحابه پیغمبر به حسابش آورده اند.

۲ - ترمذی، از راوی است.

پنجم - از ابوهریره روایت کرده‌اند که:

"اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خدا آن روز را طول دهد تا مردی از اهل بیت من، به پادشاهی رسد، که نام او با نام من موافق باشد." [۶]

ششم - در سنن ابوداود از علی علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

"اگر از عمر روزگار باقی نماند مگر یک روز، البته خدا مردی را از اهل بیت من برانگیزاند که زمین را از عدل پرکند، چنانکه از جور پرشده باشد." [۷]

هفتم - در سنن ابوداود از ام سلمه ^(۱) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: "مهدی از عترت من، از فرزندان "فاطمه" است." [۸]

هشتم - "ابوداود" و "ترمذی" روایت کرده‌اند از "ابوسعید خدری" ^(۲) که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱ - "هند" دختر "ابی امیه بن مغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم" معروف به "ام سلمه". از همسران با قضیت پیامبر است. که بعد از حضرت خدیجه سلام الله علیها برترین همسر پیامبر محسوب می‌شود. وی بعد از وفات پیامبر اکرم، از حقوق اهل بیت عصمت علیهم السلام دفع می‌گردد، و از مخلصین خاندان نور بود. وفات او را در زمان یزید بن معاویه نقل کرده‌اند.

۲ - "سعد بن مالک" معروف به "ابوسعید خدری". از بزرگان اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام است. که شیعه و سنی از او روایت نقل کرده‌اند.

"مهدی از فرزندان من است. گشاده پیشانی و کشیده بینی باشد،
و زمین را مملو از قسط و عدالت کند، چنانچه مملو از ظلم و جور
شده باشد. و هفت سال پادشاهی کند." [۹]

نهم - روایت کرده اند که "ابوسعید" گفت: ما می ترسیدیم که بعد
از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسائلی پیش آید. لذا از آن حضرت پرسیدیم.
فرمود:

"در امت من، مهدی خواهد بود. بیرون می آید و پنج سال یا هفت
سال یا نه سال پادشاهی کند." (تردید از راوی است) مردی به نزد او
آید و گوید: "ای مهدی به من عطا کن". حضرتش آن اندازه زر در
دامنش بریزد که دامنش پر شود." [۱۰]

دهم - در "سنن ترمذی" از "ابواسحاق" روایت کرده است که
حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام روزی به پسر خود حسین عَلَيْهِ السَّلَام نظر کرد،
و فرمود:

"این پسر من، سید و مهتر قوم است، چنانکه حضرت
رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را سید نام نهاد. از خاندان او مردی بیرون خواهد
آمد که نام پیغمبر شما را دارد. و در خلقت و اخلاق به او شبیه است.
او زمین را پر از عدالت خواهد کرد." [۱۱]

یازدهم - حافظ ابونعیم^(۱) که از محدثین مشهور عامه است، چهل

۱ - ابونعیم، احمد بن عبدالله اصفهانی "از دانشمندان بزرگ اهل تسنن در قرون پنجم است. نزد اهل تسنن

اعتبار تمام دارد. کتاب "حلیة الاولیاء" از تألیفات اوست و وی در کتب "اربعین" خود، چهل حدیث در معرفی

حدیث از "صحاح" ایشان روایت کرده است که مشتمل اند بر صفات و احوال و اسم و نسب آن حضرت. و از جمله آنها، از "علی بن هلال"، از پدرش روایت کرده است که گفت:

"به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رفتم، در حالی که آن حضرت از دنیا وداع می‌کرد. حضرت فاطمه علیها السلام نزد سر آن حضرت نشسته بود و می‌گریست. چون صدای گریه آن حضرت بلند شد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، سر به جانب او برداشت و فرمود: ای حبیبه من! فاطمه، چه چیزی باعث گریه تو شده است؟ فاطمه گفت: می‌ترسم که امت تو بعد از تو، مرا ضایع گردانند و رعایت حرمت من ننمایند.

حضرت فرمود: ای حبیبه من! مگر نمی‌دانی که خدا بر زمین نظری افکند. از آن، پدر تو را برگزید و او را به رسالت خود مبعوث فرمود. آنگاه بار دیگر نظر کرد، و همسر تو را برگزید و به من وحی کرد که تو را به نکاح او درآورم.

ای فاطمه! خدا به ما هفت خصلت عطا فرمود، که به احدی پیش از ما نداده است و به احدی بعد از ما نخواهد داد:

منم خاتم پیغمبران، و گرامی‌ترین ایشان نزد خدا، و

حضرت امام زمان علیه السلام آورده است. اهمیت این روایات به این است که اغلب آنها از راویان مشهور اهل

نسخه نقل شده است. مانند: "عبدالله بن عمر"، "ابوسعید خدری"، "عبدالرحمن بن عوف"، "انس بن مالک"،

"ابوهریره" و غیره.

محبوب‌ترین خَلْق به‌سوی خدا، و من پدر توام. وصی من بهترین اوصیاء است، و محبوب‌ترین ایشان است به‌سوی خدا، و او شوهر تو است. شهید ما، بهترین شهیدان است و محبوب‌ترین ایشان است به‌سوی خدا، و او "حمزه" عم پدر و شوهر تو است. و از ماست آنکه خدا دو بال به او داده است که در بهشت پرواز می‌کند با ملائکه به هر جا که خواهد، و او پسر عم پدر تو و برادر شوهر تو است.^(۱) از ماست دو سبط این امت، و آنها دو پسر تو اند، حسن و حسین، و ایشان بهترین جوانان بهشت‌اند. و پدر ایشان - به حق آن خدایی که مرا به حق فرستاده است - بهتر است از ایشان.

ای فاطمه! به حق خداوندی که مرا به حق فرستاده است، از حسن و حسین، مهدی این امت خواهد بود. او زمانی ظاهر می‌شود که دنیا پر از هرج و مرج شود، و فتنه‌ها ظاهر گردد، و راهها بسته شود، و مردم، بعضی بر بعضی حمله کنند، نه پیری بر کودکی رحم کند و نه کودکی، پیری را بزرگ دارد. خدا در آن وقت از فرزندان ایشان، کسی را برانگیزاند که قلعه‌های ضلالت را و دل‌هایی را که غافل از حق باشند، فتح کند و به دین خدا در آخر الزمان قیام کند، چنانکه من قیام نمودم، و زمین را از عدالت پر کند، چنان که پُر از ظلم و جور باشد.

۱- منظور، حضرت جعفر بن ابیطالب (جعفر طیار) است که برادر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند.

ای فاطمه! اندوهناک مباش و گریه مکن، که خدای عزّ و جلّ نسبت به تو، رحیم‌تر و مهربان‌تر از من است. به سبب منزلتی که نزد من داری و محبتی که از تو در دل من است. و خدا تو را به کسی تزویج کرده است که حَسَبَش از همه بزرگتر و مَنْصَبَش از همه گرامی‌تر است، رحیم‌ترین مردم بر رعیت، و عادل‌ترین مردم در تقسیم به تساوی، و بیناترین مردم به احکام الهی است.

من از خدا خواستم که تو، اول کسی از اهل بیت من باشی که به من ملحق شوند."

"علی" علیه السلام فرمود:

"فاطمه" علیها السلام بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم باقی نماند مگر هفتاد و پنج روز، که به پدر خود ملحق گردید. [۱۲]

در این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مهدی را به امام حسن و امام حسین علیهما السلام هر دو - نسبت داد. برای آنکه امام زمان، از جهت مادر، از نسل حضرت امام حسن علیه السلام است. زیرا که مادر حضرت امام محمد باقر علیه السلام دختر امام حسن علیه السلام بود. در چند حدیث دیگر، روایت کرده است که امام زمان، از نسل حضرت امام حسین علیه السلام است.

دوازدهم - دارقطنی^(۱) که از محدثین مشهور عامه است، همین حدیث طولانی را از "ابوسعید خدری" روایت کرده است. و در آخرش گفته است که حضرت فرمود: از ماست مهدی این امت، که عیسی پشت سر او نماز می‌گزارد. آنگاه دست بر دوش حسین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زد، و فرمود:

مهدی این امت، از این (امام حسین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) پدید می‌آید. [۱۳]
سیزدهم - ابونعیم از حدیثه^(۲) و ابو امامه باهلی^(۳) روایت کرده است که:

"روی مهدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند ستاره درخشان است و بر جانب راست روی مبارکش خال سیاهی است." [۱۴]

چهاردهم - "عبدالرحمن بن عوف"^(۴) گوید: حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱ - "ابوالحسن علی بن عمر بغدادی دارقطنی" از دانشمندان اهل سنت در قرن چهارم است. وی شافعی مذهب بود و کذب "السُّنَن" و "المؤتلف و المختلف" از آثار اوست.

۲ - "حدیثه بن الیمان العبسی"، از بزرگان اصحاب و انصار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یکی از چهار نفر اصحاب سر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه محسوب می‌شود. وی چهل روز بعد از بیعت مردم با حضرت علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدائن، دارقطنی را وداع گفت.

او در زمان عثمان، به ولایت مدائن منصوب گشت. و پس از قتل او، به مشیر رفت و حقایق ناگفته‌ای از وقایع صدر اسلام را بازگفت و حقایق خلافت حضرت امیرالمؤمنین را اثبات نمود.

۳ - "صدی بن عجلان" معروف به "ابو امامه باهلی"، از صحابه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. معویه بر او نگاهبانی گذاشته بود تا وی جلب امیرالمؤمنین علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشود. فوت او را در سال ۸۶ هجری نگاشته‌اند.

۴ - "عبدالرحمن بن عوف" یکی از صحابه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد که انحراف او از اهل بیت مشهور

درباره مهدی علیه السلام فرمود:

"دندانهایش گشاده است." [۱۵]

پانزدهم - "عبدالله بن عمر"^(۱) گویند: حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود:

"بر سرش، ابری سایه می‌افکند. و بر بالای سرش، ملکی ندا خواهد کرد: این مهدی است و خلیفه خداست، پس او را متابعت کنید." [۱۵]

شانزدهم - جابر بن عبدالله و ابوسعید روایت کرده‌اند که پیامبر

فرمود:

"عیسی پشت سر مهدی علیه السلام نماز خواهد کرد." [۱۷]

صاحب کفایة الطالب، محمد بن یوسف شافعی^(۲) که از علمای

است. وی یکی از کسانی است که در سقیفه با ابوبکر بیعت کرد و در شورای شش نفره عمر، به عثمان رأی داد. وی، علناً با عی علیه السلام مخالفت می‌نمود در زمان خلافت عثمان درگذشت. و قبل از مرگ وصیت کرد که عثمان بر او نماز نکند.

۱ - "عبدالله بن عمر بن خطاب" یکی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. "سید بن طاوس" در "طرائف".

او را در ضمن کسانی می‌شمرد که تظاهر به عداوت با اهل بیت عصمت علیهم السلام می‌نموده‌اند. او در زمره دشمنان بزرگ اهل بیت به‌شمار می‌رود که گهگاه ناچار از تصریح و اعتراف به مقام شامخ آنها نیز گشته است.

۲ - "ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی"، از علمای مشهور اهل سنت و محدثین بزرگ آنهاست.

وی در شهرهای مختلف، از محضر بسیاری از علمای نامی اهل سنت، علوم فقه و تفسیر و حدیث و غیره را

فراگرفت. کتابهای "کفایة الطالب فی مناقب امیرالمؤمنین" و "البیان فی احوال صاحب الزمان علیه السلام" را از روی

اخبار کتب معتبر اهل سنت، تألیف کرده و میزان علاقمندی خود را به اهل بیت عصمت علیهم السلام اظهار داشته

عامّه است، کتابی در باب ظهور مهدی علیه السلام و صفات و علامات او نوشت، مشتمل بر بیست و پنج باب [۱۸] . همچنین کتاب "شرح السنه" نوشته "حسین بن مسعود بغوی" که از کتب مشهوره عامّه است، نسخه قدیمی از آن نزد فقیر است که اجازات علماء ایشان بر آن نوشته است، و در آن پنج حدیث از اوصاف مهدی از صحاح ایشان روایت کرده است. و "حسین بن مسعود فرّاء"^(۱) در "مصابیح" که اکنون میان عامّه متداول است، پنج حدیث در خروج مهدی علیه السلام روایت کرده است. [۱۹]

علماء شیعه، از کتب معتبره عامّه، صدها حدیث در این باب نقل کرده‌اند. در کتب معتبر شیعه نیز، بیش از هزار حدیث در زمینه ولادت حضرت مهدی علیه السلام، و غیبت او روایت کرده‌اند [۲۰] اخبار رسیده درباره حضرت مهدی علیه السلام، با کثرت و تواتری که دارند، موجب یقین و صحت در اعتقاد اسلامی می‌گردد، به دلیل اینکه آن روایات، در بردارنده نوعی پیشگویی غیبی از قبیل نحوه تولد و غیبت و وضعیّت مردم آخرالزمان و... است، که از دهها سال پیش

است. به دلیل همین کتابها، مردم شام در سال ۶۵۸ هجری قمری بر ری شوریدند، و او را در مسجد اموی شام به جرم طرفداری از شیعه، کشتند، و شکمش را شکافتند.

۱ - "ابومحمد حسین بن مسعود بن محمد شافعی". متوفی به سال ۵۱۶. معروف به "فرّاء" و مشهور به "بغوی" است که اهل تسنن او را "معی السنه" لقب داده‌اند. کتب "تهذیب" در فقه، "مصابیح"، "الجمع بین الصحیحین"، "معالم التنزیل" و "شرح السنه" از تألیفات او است.

گفته شده، و دقیقاً طبق واقع انجام شده است. این اعجاز از جهت دیگر، دلیل صحت این روایات و قطعیت این اعتقاد است.

اثبات تولد آن حضرت، و کسانی که در ایام کودکی آن حضرت را دیده‌اند.

ولادت آن حضرت، از مسلمات است. جمیع کثیری، از آن ولادت با سعادت مطلع شدند. جماعت بسیاری از افراد مورد وثوق، حضرتش را دیدند، از وقت ولادت شریف تا غیبت کبری. و بعد از آن نیز فراوان بوده‌اند که در کتب معتبره خاصه و عامه مذکور است.

صاحبان کتاب‌های "فصول المهمه"^(۱)، "مطالب السؤل"^(۲)، "شواهد النبوه"^(۳) و نیز "ابن خلکان"^(۴) و بسیاری از دانشمندان غیرشیعی، در کتب خود، ولادت آن حضرت را با سایر خصوصیات

۱- "علی بن محمد بن صباغ مکی مالکی" مؤلف کتاب "فصول المهمه فی معرفة الائمة" از دانشمندان اهل

تسنن است. این صباغ به سال ۸۵۵ وفات یافت.

۲- "حافظ محمد بن طلحة شافعی" از دانشمندان شافعی. که در نصیبین منصب قضاوت داشت. و در

دمشق به خطابه مشغول بود. در پایان عمر در جنب زندقه کرد و در همانجا در سال ۶۵۲ درگذشت. و

"مطالب السؤل"، یکی از آثار مشهور اوست.

۳- "عبدالرحمن بن احمد، نوالدین جامی" از دانشمندان اهل سنت در قرن نهم می‌باشند. "الدرة الفاخرة فی

تفصیل مذاهب الحکماء و المتصوفه" و "شواهد النبوه فی فضائل النبی و الائمة" از آثار او به‌شمار می‌رود.

۴- قاضی "ابوالحسن، احمد بن محمد بن ابراهیم" معروف به "ابن خلکان اربلی شافعی" متوفی به سال

۶۸۱، از مشاهیر دانشمندان متعصب اهل تسنن است. کتاب مشهور "وفیات الاعیان"، معروف به "تاریخ ابن

خلکان"، از آثار مهم اوست.

که شیعه روایت کرده‌اند، نقل نموده‌اند. پس همان‌گونه که ولادت پدران بزرگوار آن حضرت معلوم است، ولادت آن حضرت نیز معلوم است.

البته بعضی از مخالفان، طول غیبت و خفای ولادت و طول عمر شریف آن حضرت را بعید و عجیب می‌دانند. باید دانست اموری که با برهان محکم ثابت شده باشد، به محض استبعاد، نفی آن نمی‌توان نمود^(۱)، چنان که کفار قریش انکار معاد می‌نمودند به محض استبعاد، که استخوانهای پوسیده و خاک شده، چگونه زنده می‌توان شد [۲۱]، با آنکه مانند آن، در امت‌های گذشته بسیار واقع شده بود.^(۲)

در احادیث خاصه و عامه وارد شده است که: "آنچه در امم گذشته واقع شده، مثل آن در این امت واقع می‌شود." [۲۲]

علاوه بر این، جمعی کثیر - که شناخته شده‌اند - بر ولادت با سعادت آن حضرت مطلع شدند، مانند: حکیمه خاتون، و قابله‌ای

۱ - مضایی که با دلائل محکم عقلی و برهانی اثبات شده است، اگر با معمول رخدادهای اجتماعی، هماهنگ نبود و شکل خارق‌العاده به خود گرفت، انسان نباید آنها را انکار کند، زیرا امکان و صحت آنها، با دلائل عقلی اثبات شده است.

۲ - کفار قریش، با ذهن ناتوان خویش، توان بازگردن این نکته را نداشتند، که انسان پس از مردن و پراکنده گشتن بدن مادی او، بار دیگر برای رستاخیز الهی، به امر حضرت ربوبیت زنده می‌شود، (با اینکه آنان، نمونه‌هایی از احیاء اموات را در این دنیا دیده بودند). مخالفین که اندیشهٔ محدودیت نیز، خصوصیات آن حضرت را از قبیل، غیبت و طول عمر و... را به دلیل استبعاد و ناباوری، بهانهٔ عدم اعتقاد خویش نموده‌اند، با اینکه این ویژگی‌ها، شگفت است، ولی ممکن و شدنی است و از نظر عقلاً، محال نیست.

که در "سُرِّ مَنْ رَأَى" همسایه ایشان بود. بعد از ولادت امام زمان تا وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، جماعت بسیاری خدمت آن حضرت رسیدند. و معجزاتی که در وقت ولادت آن حضرت، در نرجس خاتون، مادر آن حضرت ظاهر شد، بیش از آن است که بتوان برشمرد. [۲۳]

علامه مجلسی در دو کتاب "بحارالانوار" و "جلاء العیون" و رسائل دیگر نیز مطالبی در این زمینه بیان داشته است. وی در "حقّ الیقین" آورده است:

"شیخ صدوق" محمد بن بابویه به سند صحیح از "احمد بن اسحاق" ^(۱) روایت کرده است که گفت: به خدمت "امام حسن عسکری" علیه السلام رفتم. و می‌خواستم از آن حضرت بپرسم که "امام بعد از او چه کسی خواهد بود؟" آن حضرت، پیش از آنکه من بپرسم، فرمود:

"ای احمد! خدای عزّ و جلّ، از روزی که آدم را خلق کرده است تا حال، زمین را خالی از حجت نگردانیده است. و تا روز قیامت،

۱- ابو علی، احمد بن اسحاق قمی "از محدثین بزرگ قم و دارای جلالت قدر و عظمت شأن است. از حضرت امام محمد تقی و امام علی نقی علیه السلام، روایت نموده. و در قم از وی کلامی "امام حسن عسکری" علیه السلام، بوده است. مگر از قم به سامره سفر کرده و خدمت امام عسکری علیه السلام رسید. و امام زمان صوات الله علیه را نیز درک نموده است. وی به فیض ملاقات چهار امام معصوم، و باری کردن آنها، دانش گشته است.

خالی نخواهد گذاشت. از کسی که حجّت خدا بر خلق باشد، به برکت او بلاها را از زمین بردارد، و به سبب او باران از آسمان بفرستد، و برکت‌های زمین را برویاند.

گفتم: "یا بن رسول الله، پس امام و خلیفه بعد از شما کیست؟" آن حضرت برخاست، داخل اندرونی خانه شد، و سپس بیرون آمد. در حالی که کودکی مانند ماه شب چهارده، بردوشش بود، که سه ساله می‌نمود. امام عسکری علیه السلام فرمود:

"ای احمد! این است امام بعد از من. و اگر تو، نزد خدا و حجّت‌های او گرامی نبودی، او را به تو نشان نمی‌دادم.

نام و کنیت این فرزند، مانند نام و کنیت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است. و زمین را پر از عدالت خواهد کرد، بعد از آنکه پر از جور و ستم شده باشد.

ای احمد، مثل او در این امت، مانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند که (از دیدگان مردم) غائب خواهد شد که در این غیبت، کسی از هلاکت و گمراهی نجات نیابد، مگر آن کس که خدا او را بر قول به امامت او ثابت قدم بدارد، و برای دعا بر تعجیل فرج او، توفیقش دهد."

گفتم: "آیا معجزه‌ای و علامتی ظاهر می‌تواند شد که خاطر من مطمئن گردد؟"

دیدم که آن کودک به سخن آمد، و به زبان فصیح عربی گفت:
"منم بقیة الله در زمین، و انتقام کشنده از دشمنان خدا. بعد از این

دیدن، دیگر نشانه‌ای (از من) طلب مکن."

احمد گفت: "شاد و خوشحال، از خدمت آن حضرت بیرون آمدم. روز دیگر، به خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: "يَا بِن رَسُولِ اللّٰهِ بِالطَّفْئِیْ که به من کردید، بسیار شادمان شدم. برایم بیان کنید که سنت خضر و ذوالقرنین، که در آن حجّت (امام زمان علیه السلام) خواهد بود، چیست؟ امام عسکری علیه السلام فرمود:

"آن سنت، طول غیبت است، ای احمد."

گفتم: "یا بن رسول الله، غیبت او به طول خواهد انجامید؟" فرمود: "بلی، به حق پروردگار من، آنقدر به طول می‌انجامد که اکثر آنها که قائل به امامت او باشند، از دین برگردند. و کسی به دین حق باقی نماند، مگر آن کس که حق تعالی عهد و ولایت ما را در روز میثاق از او گرفته باشد،^(۱) و در دل او به قلم صنّع، ایمان را نوشته باشد، و او را از جانب خود مؤید به روح ایمان گردانیده باشد.

ای احمد! این مطلب، از امور شگفت خدا است، و رازی است از رازهای پنهان او، و غیبی است از غیبهای او. پس آنچه به تو عطا کردم، بگیر و پنهان دار، و در زمره شکرکنندگان باش، تا روز قیامت

۱. در عالم ذر و میثاق، که عالم قبل از خلقت مادی است، خداوند به همه انسانها، معرفت خدایی

خویش، و نبوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، و ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را عطا فرمود. آنکه از همه آنان،

پیمان اطاعت و تبعیت طلبید. برخی این پیمان را پذیرفتند. و گروه زیادی، آگاهانه سرپا از زدند و قبول آن

در علیین، همراه ما باشی." [۲۴]

همچنین از "یعقوب بن منفوس"^(۱) روایت کرده است که گنت: "روزی به خدمت حضرت عسکری علیه السلام رفتم. بر روی تختگاهی نشسته بودند. و از جانب راست آن، حجره‌ای بود که پرده‌ای بر درگاه آن آویخته بود. گفتم: "ای سید من، صاحب امر امامت، بعد از شما کیست؟ فرمود: "پرده را کنار بزن". چون چنین کردم، کودکی بیرون آمد که قامتش پنج وجب بود، و تقریباً می‌بایست هشت ساله باشد، یا ده ساله، با پیشانی گشاده، روی سفید، دیده‌های درخشان، دستهای قوی، و برگونه راست صورتش خالی بود، و کاکلی بر سر داشت. آمد و بر ران پدر بزرگوار خود نشست.

حضرت فرمود: "این است امام شما". آن کودک برخاست. حضرت فرمود: "من همچنان به او نظر می‌کردم، تا داخل حجره شد. حضرت فرمود: "ای یعقوب، نظر کن، کی در این حجره است؟" من داخل شدم و جستجو کردم، هیچکس را در حجره ندیدم. [۲۵]
همچنین علامه مجلسی به سند صحیح، از محمد بن معاویه و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان عمروی روایت کرده که همه

۱- یعقوب بن منفوس (منفوش) از بزرگان اصحاب حضرت هادی و امام حسن عسکری علیه السلام است.

که حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را در کودکی زیارت کرده است. این امر، عظمت منمش را

گفتند:

حضرت عسکری علیه السلام، پسر خود، حضرت صاحب علیه السلام را به ما نشان داد، در حالی که ما، در منزل آن حضرت بودیم و چهل نفر بودیم.

امام عسکری علیه السلام به ما فرمود:

"این است امام شما بعد از من، و جانشین من بر شما. اطاعت او کنید. و بعد از من پراکنده مشوید، که در دین خود هلاک خواهید شد. و بعد از این روز دیگر، او را نخواهید دید."

ما از خدمت آن حضرت بیرون آمدیم. و بعد از اندک روزی،

حضرت عسکری علیه السلام دنیا را وداع گفت. [۲۶]

علامه مجلسی در "حق الیقین" به نقل از "شیخ صدوق" و "شیخ

طوسی" و دیگران، به سندهای صحیح از "محمد بن ابراهیم بن

مهزیار"^(۱) و بعضی راویان، از "علی بن ابراهیم بن مهزیار" روایت

کرده‌اند که گفت:

ببست حج کردم. به قصد آنکه شاید، به خدمت حضرت

صاحب الامر علیه السلام برسم، میسر نشد. شبی در رختخواب خود

خوابیده بودم. صدایی شنیدم که کسی گفت:

"ای فرزند مهزیار، امسال به حج بیا که به خدمت امام زمان خود

۱ - محمد بن ابراهیم بن مهزیار. از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و از وکلای حضرت صاحب الامر

ارواحده فداء بود. و از ثقات راویان حدیث محسوب می‌شود.

خواهی رسید". من بیدار شدم، فرحناک و خوشحال. و پیوسته مشغول عبادت بودم، تا صبح طلوع کرد. نماز صبح گزاردم. و برای طلب رفیق، بیرون آمدم. چند تن از دوستان را گِرد آوردم و به راه افتادم. چون داخل کوفه شدم، تجسس بسیار کردم و خبری به من نرسید. باز متوجه مکه معظمه شدم، و بسیار جستجو کردم. و پیوسته میان امیدواری و ناامیدی، در تردد و تفکر بودم. شبی از شبها در مسجد الحرام انتظار می کشیدم که دور کعبه خلوت شود، و مشغول طواف شوم و به تضرع و زاری، از بیخشنده بی زوال درخواست کنم که مرا به کعبه مقصود خویش راهنمایی کند.

چون مسجد خلوت شد، مشغول طواف شدم. ناگاه جوانی باملاحت و خوشرویی و خوش بوی را در طواف دیدم، که دو بُرد یمنی پوشیده بود، یکی بر کمر بسته و دیگری را بر دوش افکنده، و طرف ردا بر دوش دیگر بگردانیده بود. نزدیک او رسیدم. به جانب من التفات نمود و فرمود: "از کدام شهری؟"

گفتم: "از اهواز".

فرمود: "ابن الخصیب را می شناسی؟"

گفتم: او به رحمت الهی واصل شد.

گفت: "خدا او را رحمت کند، روزها روزه می داشت، و شبها به عبادت می ایستاد. و تلاوت قرآن، بسیار می نمود و از شیعیان و موالیان ما بود."

گفت: "علی بن مهزیار" را می شناسی؟"

گفتم: منم.

فرمود: "خوش آمدی ای ابوالحسن".

گفت: "با آن علامتی که میان تو و حضرت امام حسن
عسکری علیه السلام بود، چه کردی؟"

گفتم: آن را همراه دارم.

گفت: "آن را به من بده. آن را بیرون آوردم، انگشتی نیکو را که بر
آن "مُحَمَّد" و "عَلِي" نقش کرده بودند (و به روایت دیگر، "يا الله" و
"يا مُحَمَّد" و "يا عَلِي" نقش آن بود).

چون نظرش بر آن افتاد، آنقدر گریست که جامه‌هایش تر شد. گفت:
"خدا رحمت کند تو را، ای ابومحمد^(۱) که تو امام عادل بودی، و
فرزند امامان، و پدر امام بودی. حق تعالی تو را در فردوس اعلیٰ با
پدرانت ساکن گردانید."

سپس به من گفت: "بعد از حج چه درخواستی داری؟"

گفتم: "فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را می‌طلبم.

گفت: به خواسته خود رسیده‌ای، و او مرا به سوی تو فرستاده
است. برو به منزل خود و مہیای سفر شو و این را مخفی دار. و چون
ثلث شب بگذرد، بیا به سوی "شعب بنی عامر"^(۲) که به مطلب خود
می‌رسی."

ابن مهزیار گفت: "به خانه خود برگشتم. و در این اندیشه بودم، تا

۱- کتبه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام. ۲- محلی در مکه.

ثلث شب گذشت. سوار شدم و به سوی شِعب رفتم. چون به شِعب رسیدم، آن جوان را در آنجا دیدم.

مرا دید و گفت: "خوش آمدی. و خوشا حال تو، که رخصت ملازمت به تو دادند."

همراه او روانه شدم، تا از "مَنی" و "عرفات"^(۱) گذشت. چون به پایین "عقبه طائف"^(۲) رسیدیم، گفت: "ای ابوالحسن، پیاده شو و خود را برای نماز مهیا کن." من و او نافله شب را بجا آوردیم. و صبح طالع شد. نماز صبح را مختصر اداء کردم. او سلام نماز گفت. بعد از نماز به سجده رفت. رو به خاک مالید. سوار شد و من سوار شدم، و تا بالای عقبه رفتیم.

گفت: "نظر کن، چیزی می بینی؟" نظر کردم. دشت سبز و خرمی دیدم که گیاه بسیار داشت.

گفت: "نظر کن به بالای تل ریگ، چیزی می بینی؟" نظر کردم، خیمه‌ای از مو دیدم که نور آن، تمام آسمان و آن وادی را روشن کرده بود. گفت: "منتهای آرزوها در اینجا است، دیده‌ات روشن باد."

چون از عقبه بیرون رفتیم، گفت: "از مرکب به زیر بیا که در اینجا هر صعبی ذلیل می شود."^(۳) چون از مرکب به زیر آمدیم، گفت: "دست از

۱- منی و عرفات، واقع در سه فرسخی و چهار فرسخی مکه است.

۲- محلی در ۱۲ فرسخی مکه.

۳- یعنی در اینجا ادر محضر عظمت امام عصر علیه السلام، هر قوی و قدرتمندی، خوار و پست می گردد.

مهار شتر بردار، و آن را رها کن." گفتم: "شتر را به چه کسی بسپارم؟"
گفت: "این حرمی است که داخل آن نمی‌شود، مگر ولی خدا. و
بیرون نمی‌رود، مگر ولی خدا."^۱

در خدمت او رفتم، تا به نزدیک خیمه نورانی حضرت مهدی علیه السلام
رسیدم. گفتم: "اینجا باش تا برای تو رخصت بگیرم." بعد از اندک
زمانی بیرون آمد و گفت: "خوشا حال تو، که رخصت دادند."

داخل خیمه شدم. دیدم آن حضرت بر روی نمدی نشسته است و
فرشی سرخ رنگ بر روی آن افکنده، و بر بالشی از پوست تکیه داده
است. سلام کردم، بهتر از سلام من، جواب داد. صورتی دیدم مانند
ماه شب چهارده، در کمال اعتدال، نه بسیار بلند و نه کوتاه، بلند قد و
رشید، گشاده پیشانی با ابروهای باریک کشیده و پیوسته، و چشمهای
سیاه و گشاده، و بینی کشیده، و گونه‌های رو، هموار و برنیامده، در
نهایت حسن و جمال. برگونه راستش خالی بود مانند دانه کوچکی از
مشک که بر صحنه نقره افتاده باشد، و موی زیبای سیاهی بر سرش
بود، نزدیک به نرمه گوش آویخته. از پیشانی نورانی اش نور ساطع بود،
مانند ستاره درخشان، با نهایت سکینه و وقار و حیا و حسنِ لقا.

امام عصر علیه السلام، احوال یک یک شیعیان را از من پرسید. عرض
کردم که ایشان در دولت بنی العباس، در نهایت مشقت و سختی و
خواری زندگانی می‌کنند. فرمود:

۱ - یعنی تنوس، شتر را نمی‌دزدند. به این معنای غریبه‌ای وارد نمی‌شود.

”روزی خواهد بود که شما مالک ایشان هستید، و ایشان در دست شما ذلیل و خوارند.“

سپس فرمود:

”پدرم از من عهد گرفته است که در محلی از زمین، ساکن نشوم، مگر در جایی که پنهان‌تر و دورترین جاها باشد، تا آنکه از مکائد گمراهان و سرکشان نادان برکنار باشم، تا هنگامی که حق تعالی رخصت فرماید تا ظاهر شوم.“

(همچنین پدر بزرگوارم به من فرمود):

ای فرزندان! حق تعالی اهل بلاد و طبقات مردم را خالی نمی‌گذارد، از حجّت و امامی که پیروی او کنند، و حجّت حق تعالی به سبب او، بر خلق تمام باشد.

ای فرزندان گرامی، تو همانی که خدایت برای نشر حق و برانداختن باطل و اعلای دین، و خاموش کردن آتش گمراهان آماده کرده است. پس ملازم جاهای پنهان زمین باش. و از بلاد ظالمین دور باش، و تو را از تنهایی وحشت نخواهد بود.

و بدان که دل‌های اهل طاعت و اخلاص، به سوی تو مایل خواهد بود، مانند مرغانی که به سوی آشیانه پرواز می‌کنند. و ایشان گروهی چندند که به ظاهر در دست مخالفان ذلیل‌اند، اما نزد حق تعالی گرامی و عزیزند، آنها اهل قناعت‌اند و چنگ در دامان متابعت اهل بیت زده‌اند، و از آثار ایشان استنباط دین می‌نمایند. و بر مبنای حجّت، با دشمنان دین می‌ستیزند. خدا ایشان را مخصوص

گردانیده است به صبر بر آزارهایی که از مخالفان دین می‌کشند، تا آنکه در دار قرار، به عزت ابدی فائز گردند.

ای فرزندا! بر مصادر و موارد امور خود صبر کن، تا آنکه حق تعالی اسباب دولت تو را میسر گرداند و پرچم‌های زرد و سفید در میان حطیم و زمزم^(۱) بر سر تو، به جولان درآید، و فوج فوج از اهل اخلاص و صفا به سوی تو بیایند و در اطراف با تو بیعت کنند. و ایشان جمعی باشند که طینت ایشان از آلودگی نفاق، و دل‌هایشان از پلیدی کینه، پاک است. و سرشت ایشان برای قبول دین، نرم باشد. و در رفع فتنه‌های گمراهان، تصلب دارند.

در آن زمان، بوستان دین، آراسته گردد. و بامداد حقیقت بدمد. و حق تعالی به دست تو، ظلم و طغیان را از زمین براندازد. و شادمانی امن و امان در اطراف جهان ظاهر شود. و مرغان شرایع دین مبین به آشیانه‌های خود برگردند. و باران‌های فتح و ظفر، بوستان‌های دین را سرسبز و شاداب گردانند.

سپس حضرت مهدی علیه السلام به ابن مهزیار فرمود:

”باید آنچه در این مجلس گذشت، پنهان داری. و اظهار نکنی، مگر برای جمعی که از اهل صدق و وفا و امانت باشند.“

”ابن مهزیار“ گفت: ”چند روز در خدمت آن حضرت ماندم. و مسائل مشکله را از آن جناب پرسیدم. آنگاه مرا مرخص فرمود که به

۱- ”حطیم“ و ”زمزم“ دو محل در ”مسجدالحرام“ است که نزدیک خانه می‌باشند.

نزد خانواده‌ام بازگردم.

در روز وداع، بیش از پنجاه هزار درهم با خود داشتم. به عنوان هدیه، آنها را خدمت آن حضرت بردم. و التماس بسیار کردم که قبول فرمایند. تبسم نمود و فرمود:

از این مال برای بازگشت به سوی وطن خود کمک بگیر، که راه درازی در پیش داری.

و دعای بسیار در حقّ من نمود. و من به سوی وطن

بازگشتم. [۲۷]

حکایات و اخبار در این باب بسیار است.

منابع بخش اول

- ۱- اربعین خاتون آبادی، ص ۱۱۴، حدیث ۱۷.
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... وَالْمَهْدِيُّ فِي ضَخْضَاخٍ مِنْ نُورِ قِيَامٍ يُصَلُّونَ
 وَفِي وَسْطِهِمْ يُضِيءُ الْمَهْدِيُّ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.
- الزام الناصب، ج ۱، غصن ۳، فرع ۴، ص ۱۸۶.
 عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... الْقَائِمُ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.
- ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۲۷.
- ۳- غیبت شیخ طوسی، ص ۲۸۰. غیبت نعمانی، باب ۱۳، حدیث
 ۳۱، ص ۲۳۹.
- قال أبو جعفر عليه السلام: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ بَيْتٌ يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ، فِيهِ
 سِرَاجٌ يَزْهَرُ مُنْذُ يَوْمٍ وُلِدَ إِلَى أَنْ يَقُومَ بِالسَّيْفِ.
- ۴- منتخب الاثر، چاپ سه جلدی جدید، حدیث ۸۰۶ و ۸۱۰.
- ۵- بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱، حدیث ۱۴، ص ۱۳-۱۴.
 قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَقُلْتُ: مَا هَذَا الطَّائِرُ؟ قَالَ (ابو محمد العسكري عليه السلام):
 هَذَا رُوحُ الْقُدْسِ الْمُوَكَّلُ بِالْأَيِّمَةِ عليه السلام يُوقِفُهُمْ وَيُسَدِّدُهُمْ وَيُرَبِّيهِمْ بِالْعِلْمِ.
- ۶- بحار الانوار، ج ۵۲، باب اول، حدیث ششم، ص ۱۲.
 حضرت صاحب الامر عليه السلام به علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی
 می فرمایند:
- يَا بْنَ الْمَازِيَارِ أَبِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمْ وَ لَهُمُ الْخِزْيُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

۷ - منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱۰، حدیث ۶، ص ۲۰۶.
إِنَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي
يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَلَيْهِ خَلْفَهُ.

۸ - رجوع شود به: عوالم العلوم، مجلد نصوص، ص ۳۵ - ۸۹، ابواب
نصوص الله تعالى على الائمة عليهم السلام .

۹ - بحار الانوار، ج ۵۱، حدیث ۶۳، ص ۶۲ - ۶۳.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى:
"سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ." قَالَ:
يُرِيهِمْ فِي أَنفُسِهِمُ الْمَسْخَ وَ يُرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ انْتِفَاضَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ، فَيَرُونَ
قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَنفُسِهِمْ وَ فِي الْأَفَاقِ، قُلْتُ لَهُ: "حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ
الْحَقُّ" قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرَاهُ الْخَلْقُ لِأَبَدٍ
مِنْهُ.

۱۰ - رجوع شود به: بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۵؛ الزام الناصب جلد ۲
عُصْن ۷ و منابع دیگر.

۱۱ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.
يُنَادِي الْمُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

نیز بنگرید: منابع المودة، جزء ۳، باب ۲۱، ص ۸۵.
۱۲ - غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۱۳، ص ۲۵۴.

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ
بِالْمَغْرِبِ. لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ، وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى
رِجْلَيْهِ، فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ.

۱۳ - منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۴، حدیث ۱۲، ص ۴۴۹.
الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرِ اللَّهِ، وَ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرَائِيلَ
إِلَى هَذَا الْخَلْقِ.

۱۴ - ارشاد شیخ مفید، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حدیث ۸، ص
۳۵۹ - ۳۶۰.

قَالَ: يَا مُرُّ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَ قِلَّةِ الْحَرَكَةِ، فَتَطُولُ الْآيَامُ
لِذَلِكَ وَ السَّنُونَ.

قال: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ
الزَّنَادِقَةِ، فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ تَعَالَى
الْقَمَرَ لِنبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ، وَ أَنَّهُ كَأَنَّ سَنَةَ مِمَّا تَعُدُّونَ.

۱۵ - ارشاد شیخ مفید، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حدیث ۹، ص ۳۶۰.
إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ضَرَبَ فَنَاطِيطَ وَ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ
عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ
يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ.

۱۶ - منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۴، حدیث ۴، ص ۴۴۸.
قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ، وَ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ
يُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ.

۱۷ - اربعین خاتون آبادی، ص ۱۲۱ به بعد، ذیل حدیث ۱۸.
بحار الانوار، ج ۵۳، باب ۲۸، ص ۱۰ - ۱۱.

مفضل بن عمر از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال می‌کند: "آیا ملائکه و

جن با او (قائم) خواهند بود؟

امام می فرمایند: اِی وَاللّٰهِ یَا مُفَضَّلُ، وَ لَیْتَزِلَنَّ اَرْضَ الْهَجْرَةِ مَا بَیْنَ الْكُوفَةِ وَ النَّجْفِ، وَ عَدَدُ اَصْحَابِهِ عَلَیْهِ عَلَيْهِ حِیْنَئِذٍ سِتَّةٌ وَ اَرْبَعُونَ اَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ سِتَّةٌ اَلْفٍ مِنَ الْجِنِّ.

۱۸ - کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، حدیث ۱۲، ص ۶۵۲.

عَنْ اَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَاءِ عَلَيْهِ: مَا عَلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ اِذَا خَرَجَ؟ قَالَ: عَلَامَتُهُ اَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ، شَابَّ الْمَنْظَرِ، حَتَّى اَنْ النَّاطِرَ اِلَيْهِ لِيَحْسَبُهُ ابْنُ اَرْبَعِينَ سَنَةً اَوْ دُونَهَا. وَ اِنْ مِنْ عَلَامَاتِهِ اَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْاَيَّامِ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَأْتِيَهُ اَجَلُهُ.

۱۹ - بحار الانوار، ج ۱۱، باب ۵، حدیث ۱۷، ص ۱۷.

عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَتْ الْوُحُوشُ وَ الطَّيْرُ وَ السَّبَاعُ وَ كُلُّ شَيْءٍ خَلَقَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ مُخْتَلِطًا بَعْضُهُ بِبَعْضٍ . فَلَمَّا قَتَلَ ابْنُ اَدَمَ اَخَاهُ، نَفَرَتْ وَ فَرَعَتْ، فَذَهَبَ كُلُّ شَيْءٍ اِلَى شِكْلِهِ.

۲۰ - بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۱۱، ص ۳۱۶.

وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... اَصْطَلَحَتْ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرَاةُ بَیْنَ الْعِرَاقِ اِلَى الشَّامِ، لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا اِلَّا عَلٰی النَّبَاتِ، وَ عَلٰی رَاسِهَا زَبِيلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ.

۲۱ - ارشاد، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حدیث ۱۰، ص ۳۶۱.

عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ قَالَ: يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا: خَمْسَةٌ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ، الَّذِيْنَ كَانُوْا يَهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَغْدِلُوْنَ، وَ سَبْعَةٌ مِنْ اَهْلِ الْكَهْفِ، وَ يُوْشَعُ بْنُ نُونٍ، وَ سَلْمَانُ، وَ

أَبُو دَجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ، وَالْمِقْدَادُ، وَمَالِكُ الْأَشْتَرُ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً
وَ حُكَّاماً.

٢٢ - بحار الانوار، ج ١٠٢، ص ١١٠.

٢٣ - ارشاد، ج ٢، باب ٤٠، فصل ٣، حديث ٤، ص ٣٥٦.

وَرَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ... تَطْهَرُ
الْأَرْضُ مِنْ كُنُوزِهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا...

٢٤ - منتخب الاثر، فصل ٢، باب ١، حديث ١٣، ص ١٤٦.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَدْرِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَلَا
السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِذْرَاراً... تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ
الْأَمْوَاتُ مِمَّا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَيْرٍ.

٢٥ - كمال الدين، ج ٢، باب ٥٨، حديث ٣٠، ص ٦٧٥.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (الْبَاقِرِ) عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عليه السلام، وَضَعَ يَدَهُ عَلَى
رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ.

٢٦ - بحار الانوار، ج ٥٢، باب ٢٧، حديث ٧٢، ص ٣٦. منتخب الاثر،

فصل ٧، باب ١٢، حديث ٢، ص ٤٨٣.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ
أَبْصَارِهِمْ، حَتَّى يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ، فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ
إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ.

٢٧ - ارشاد شيخ مفيد، ج ٢، باب ٤٠، فصل ٣، حديث ٤، ص ٣٥٦.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: ... وَ يُعَمِّرُ الرَّجُلَ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ وَلَدٍ

ذِكْرٍ.

۲۸ - بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۱۳۸، ص ۳۶۴.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ
الْقَائِمُ، أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْغَاهَةَ، وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ.

۲۹ - منتخب الاثر، فصل ۸، باب ۲، حدیث ۱.
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا. وَإِنَّ
قَلْبَ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ، لَوْ مَرَّوْا بِالْجِبَالِ الْحَدِيدِ لَتَدَكَّدَكَتْ.

۳۰ - ينابيع المودة، ص ۴۴۸. اربعین خاتون آبادی، ص ۱۹۴، حدیث ۴۰.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَاسْتَعْنَى
الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَ الظُّلْمَةُ.

۳۱ - غیبت نعمانی، باب ۱۹، حدیث ۴، ص ۳۰۹.
عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَعَهُ رَايَةٌ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

۳۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۲۰، ص ۳۱۹، به نقل از
بصائر الدرجات.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ أَبِي لَيْسَ
دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَكَانَتْ تَسْحَبُ عَلَى الْأَرْضِ. وَإِنِّي لَيْسْتُهَا
فَكَانَتْ وَكَانَتْ، وَإِنَّهَا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
مُشْمَرَةً...

۳۳ - اثبات الهداة، ج ۷، باب ۳۲، فصل ۱۵، حدیث ۴۰۲، ص ۴۴، به
نقل از بصائر الدرجات.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ خَيْرُ ذَا الْقَرْنَيْنِ السَّحَابَيْنِ: الصَّعْبَ وَ

الذَّلُولَ، فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَهُوَ مَا لَيْسَ فِيهِ رَعْدٌ وَلَا بَرْقٌ، وَ لَوْ اخْتَارَ الصَّعْبَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَهُ، لِأَنَّ اللَّهَ ادَّخَرَهُ لِلْقَائِمِ عليه السلام.

۳۴ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، حدیث ۸۱.

عَنْ رُفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: "وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً". قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام، لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، حدیث ۸۲.

عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ: "وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً". قَالَ: أَنْزَلْتُ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلِ الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا، فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ، فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ، وَمَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ. قُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، إِنَّ الْخَلْقَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّلَ الْكَثِيرَ وَكَثَّرَ الْقَلِيلَ.

کمال الدین، ج ۱، باب ۲۴، حدیث ۲۷، ص ۲۸۰.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: ... وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.

۳۵ - منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۲۵، حدیث ۸، ص ۲۴۹.

عَنْ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ وَجَدَّهُ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ. إِذَا ظَهَرَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدلاً كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْماً.

- ۳۶- ارشاد، ج ۲، باب ۴۰، فصل ۵، حدیث ۱۱، ص ۳۶۱.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْتِاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى، فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ.
بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۲۴، ص ۳۲۰.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ، حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ، لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً.
۳۷- خصال (مترجم)، باب ۳، حدیث ۲۲۳، ص ۱۸۷. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۲، ص ۳۰۹.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: ... يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِي وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَ يُورِثُ الْآخُ أَخَاهُ فِي الْأَظْلَةِ.
۳۸- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، نقل از اعلام الوری:
وَ إِنَّهُ يَقْتُلُ مَنْ بَلَغَ الْعِشْرِينَ وَ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي الدِّينِ.
۳۹- بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، حدیث ۷۳، ص ۳۳۶.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ. فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ. فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَ ضَمَّ إِلَيْهَا حَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبِثَّهَا سَبْعَةٌ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا.
۴۰- اثبات الهداة، ج ۷، باب ۳۲، فصل ۲۷، حدیث ۵۱۸، ص ۵۱۸،
به نقل از غیبت نعمانی.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَتْ سَيْوْفُ الْقِتَالِ. عَلَى كُلِّ سَيْفٍ اسْمُ الرَّجُلِ وَ اسْمُ أَبِيهِ.

٤١ - اثبات الهداة، ج ٦، باب ٣٢، فصل ٥، حدیث ٢٤٨، ص ٤٥٠، به نقل از کمال الدین.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانِي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام، وَ قَدْ أَخَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافَتَيْنِ، فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِبَاعِ الْأَرْضِ وَ سِبَاعِ الطَّيْرِ.

٤٢ - الخرائج و الجرائح، ج ٢، ص ٦٩٠. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٥. کمال الدین، ج ٢، باب ٥٨، حدیث ١٧، ص ٦٧٠.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام مِنْ مَكَّةَ، يُنَادِي مُنَادِيَهُ: أَلَا لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدٌ طَعَامًا وَ لَا شَرَابًا، وَ حَمَلَ مَعَهُ حَجْرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام، وَ هُوَ وَ قُرْبَعِيرٍ، فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلًا إِلَّا أَنْفَجَرَتْ مِنْهُ عُيُونٌ. فَمَنْ كَانَ جَائِعًا شَبِعَ، وَ مَنْ كَانَ ظِمَانًا رَوَى، وَ رَوَيْتْ دَوَابَّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ.

٤٣ - کمال الدین، ج ١، باب ٢٤، حدیث ٢٧، ص ٢٨٠.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: ... يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَيُصَلِّي خَلْفَهُ....

٤٤ - بحار الانوار، ج ١١، باب ١، حدیث ١١، ص ٦٩.

وَ أُعْطِيَتْكَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًا، كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ. وَ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ، يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، أَنْجَى بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ أَهْدَى بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أُبْرِئُ بِهِ الْأَعْمَى وَ أَشْفِي بِهِ الْمَرِيضَ.

٤٥ - تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ١، ص ٢٠٤، ذیل آیه ٦٥ سوره

انعام.

۴۶ - منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۷، حدیث ۱، ص ۴۶۱، به نقل از صحیح ترمذی.

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْجَرَّاحِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا بَعْدَ نُوحٍ إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ.

۴۷ - بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱۲۷، حدیث ۱۶، ص ۲۱۵ نقل از فرحة الغری:

... فَصَلَّ عَلَيَّ، فَكَبَّرَ سَبْعًا، فَإِنَّهَا لَا تَحِلُّ لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِلَّا لِرَجُلٍ مِنْهُ وَوُلْدِي، يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، يُقِيمُ اعْوِجَاجَ الْحَقِّ.

۴۸ - متن کامل حدیث، و متن تمام تسبیحات، در بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۰۵ - ۲۰۷، حدیث ۳، به نقل از دعوات راوندی آمده است.

۴۹ - بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۶، حدیث ۳، ص ۱۴۳.

عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ سَمِعَ ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَتْنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ

منابع بخش دوم

- ۱ - جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۷. کتاب ۹، باب ۱:
قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لِيُوشَكَنَّ أَنْ يَنْزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكْمًا مَقْسُطًا، فَيَكْسِرَ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلَ الْخَنزِيرَ، وَيَضَعَ الْجِزْيَةَ، وَيُفِيضَ الْمَالَ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ.
- ۲ - جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۷. المهدي الموعود المنتظر، ج ۲، باب ۲۹، حديث ۲۴، ص ۲۳۲.
قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَيْفَ أَنْتُمْ، إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ مِنْكُمْ.
- ۳ - كشف الغمه، ص ۴۷۹، باب ۹. البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، ص ۱۵۸.
- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَيَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالِ صَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءٌ، تَكْرِمَةً مِنَ اللَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ.
- ۴ - سنن ابى داود، ج ۴، كتاب المهدي، ح ۴۲۸۲، ص ۱۰۶. سنن ترمذى، ج ۴، باب ۵۲، ما جاء فى المهدي، ح ۲۲۳۱.
قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي... يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.

۵- سنن ترمذی، ج ۴، باب ۵۲، ح ۲۲۳۰. سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۲، ص ۱۰۷.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي.

۶- المهدى الموعود المنتظر، ج ۱، باب ۳، حديث ۱۷، ص ۵۴. غيبت شيخ طوسي، ص ۱۱۲.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله تعالى ذلك اليوم حتى يلبى رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي.

۷- سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۳، ص ۱۰۷: لو لم يبق من الدهر إلا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي، يملأها عدلاً كما ملئت جوراً.

۸- سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۴، ص ۱۰۷. غيبت شيخ طوسي، ص ۱۱۵. كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۷. منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، حديث ۶، ص ۱۴۳.

عن أم سلمة قالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: المهدى من عترتي من ولد فاطمة.

۹- سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۵، ص ۱۰۷. كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۸۱، باب ۸. منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، حديث ۷، ص ۱۴۳، به نقل از صحيح ابی داود.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: المهدى مني أجلى الجبهة أفتى الأنف يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يملك سبع سنين.

۱۰ - سنن ترمذی، ج ۴، باب ۵۳، ح ۲۳۲۲. منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، حدیث ۳، ص ۱۴۲، به نقل از صحیح ترمذی.
قال النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا (زيدُ الشَّاكِّ) قَالَ: قُلْنَا: وَ مَا ذَاكَ؟ قَالَ: سِنِينَ. قَالَ: فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ، فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيَّ! أَعْطِنِي أَعْطِنِي. قَالَ: فَيُحْتَبِي لَهُ فِي تَوْبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ.

۱۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، باب ما روى عن امير المؤمنين صلوات الله عليه، حدیث ۱۵، ص ۱۱۶. الغيبة نعمانی، باب ۱۳، حدیث ۲، ص ۲۱۴.

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَظَرَ إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ وَ قَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ سَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ وَ الْخُلُقِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا.

۱۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۶، ص ۷۹، نقل از اربعین ابونعیم، حدیث ۵.

۱۳ - المهدي الموعود المنتظر، ج ۲، باب ۲۹، حدیث ۴۴، ص ۲۴۵. كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۸۱، باب ۹.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنَّا مَهْدِيٌّ الْأُمَّةِ، الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى خَلْفَهُ. ثُمَّ ضَرَبَ عَلِيٌّ مِنْكَبِ الْحُسَيْنِ، فَقَالَ: مِنْ هَذَا مَهْدِيٌّ الْأُمَّةِ.

۱۴ - كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۸۶ و ۴۸۷، باب ۱۷ و ۱۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰، ح ۹ و ۱۲.

۱۵ - كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۸۷، باب ۱۹. بحار الانوار، ج ۵۱، ص

۸۰، ح ۱۳.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِثْرَتِي رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنَائِيَا...

۱۶ - كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۶، باب ۱۵. بحار الانوار ج ۵۱، ص

۸۱، ح ۱۶.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ

يُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ خَلِيفَةُ اللَّهِ.

۱۷ - المهدي الموعود المنتظر، ج ۲، باب ۲۹، حديث ۲ و ۲۷، ص

۲۱۴ و ۲۳۳. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۸۴ و ۸۵، ح ۳۸ و ۳۹.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.

۱۸ - رجوع شود: الامام المهدي عند اهل السنة، تدوين: مهدي فقيه

ایمانی، ص ۱۳۹ - ۱۸۴.

۱۹ - رجوع شود: الامام المهدي عند اهل السنة، ص ۷۹ - ۸۴.

۲۰ - رجوع شود: المهدي، سيد صدرالدين صدر. منتخب الاثر،

لطف الله صافي گلپایگانی. المهدي الموعود المنتظر، نجم الدين

عسكري (دو جلد). معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، مؤسسه

معارف اسلامي قم (دوره پنجم جلدی، به ويژه جلد اول تا

سوم). ملحقات احقاق الحق، سيد شهاب الدين مرعشي، ج ۱۳.

۲۱ - سورة يس، آيه ۷۸.

وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ، قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ؟

۲۲ - كشف الغمه، ج ۲، ص ۵۴۵.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : إِنَّهُ قَالَ: كُلَّمَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ الشَّالِفَةُ، فَإِنَّهُ

يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلَهُ حَذُّو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ.

۲۳ - حق اليتيم، باب ۵، متصد ۸، ص ۲۹۴ - ۲۹۸.

۲۴ - كمال الدين، ج ۲، باب ۳۸، حديث ۱، ص ۳۸۴.

۲۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۱۸، حديث ۱۷، ص ۲۵.

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ مَنفُوسٍ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى دُكَّانٍ فِي الدَّارِ وَعَنْ يَمِينِهِ بَيْتٌ عَلَيْهِ سِتْرٌ مُسَبَّلٌ. فَقُلْتُ لَهُ: سَيِّدِي مَنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: اِرْفَعْ السِتْرَ. فَرَفَعْتُهُ فَخَرَجَ إِلَيْنَا غُلَامٌ خُمَاسِيٌّ لَهُ عَشْرٌ أَوْ ثَمَانٌ أَوْ نَحْوَ ذَلِكَ، وَاضِحُ الْجَبِينِ، أَبْيَضُ الْوَجْهِ، دَرِيٌّ الْمُقْلَتَيْنِ شِثْنُ الْكَفَّيْنِ، مَعْطُوفُ الرُّكْبَتَيْنِ، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ وَفِي رَأْسِهِ ذُؤَابَةٌ، فَجَلَسَ عَلَيَّ فَاخَذَ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ ثُمَّ وَثَبَ فَقَالَ لَهُ: يَا بَنِي ادْخُلْ إِلَى الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ، فَدَخَلَ الْبَيْتَ وَ أَنَا أَنْظَرُ إِلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا يَعْقُوبُ انْظُرْ مَنْ فِي الْبَيْتِ. فَدَخَلْتُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا.

۲۶ - كمال الدين، ج ۲، باب ۴۳، حديث ۲، ص ۴۳۵.

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، أَطِيعُوهُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فِي أَدْيَانِكُمْ فَتَهْلِكُوا، أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا.

۲۷ - غيبت شيخ طوسي، ص ۱۵۹. كمال الدين، ج ۲، باب ۴۳،

حديث ۱۹.